نسیم جنوب
www.nasimjonoub.com
سال بیست و پنجم – شماره ۱۰۲۰   سه شنبه ۱۹ مهر ۱۴۰۱   ۸ صفحه – ۲۰۰۰ تومان
(مبلغ فروش به کیوسک مطبوعاتی تعلق میگیرد)

ضرورت اتخاذ تصمیم جامع و دقیق

احسان هوشمند

رسانه ارگان علیه روزنامه‌نگاری حرفه‌ای

رضا غبیشاوی

مشروعیت؛ در سایه همراهی و مشارکت مردم

دکتر سعید معدنی



«دهه هشتادی ها» محور مهمترین موضوع روز

جعفر محمدی

در باب لزوم یادگیری زبان نسل جدید

سام سکوتی بداغ

فاضلاب شهری بوشهر دامنگیر خلیج فارس و ساحل نشینان

مهارت ایجاد وقفه در تنش‌های زناشویی

دکتر عبدالصالح خزائی

کدام مردم؟!

دکتر سجاد بهزادی

نقدی بر عملکرد شورای شهر بوشهر

حسین حشمتی

انجمن روانپزشکان ایران:

دانش آموزان با افزایش افسردگی و اضطراب و کاهش امید و شادی مواجه اند



روزنامه شرق:

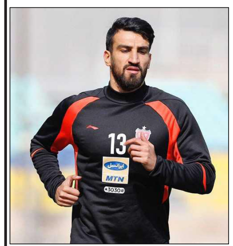
ضرورت اتخاذ تصمیم جامع و دقیق

احسان هوشمند: در بیست روز گذشته و پس از درگذشت خانم مهسا امینی بخش درخورتوجهی از مناطق شهری در گوشه و کنار کشور شاهد اعتراضات دامنه‌داری بود که هزینه‌های انسانی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی زیادی بر جای گذاشت. به‌همین‌دلیل این پدیده از ابعاد مختلفی نیازمند تأمل و بررسی‌های چندوجهی و جامعی است. یکی از وظایف مراکز مطالعاتی و راهبردی و دانشگاهی کشور بررسی علل و زمینه‌ها و پیامدهای رویدادهایی از این دست و ارائه نتایج به مسئولان ذی‌ربط است. چرا در بخش زیادی از شهرهای کشور اعتراضات خیابانی روی داد؟ شمار معترضان در مناطق مختلف چقدر برآورد می‌شود؟ چگونه می‌توان گروه‌های سنی و جنسی شرکت‌کننده در اعتراضات را دسته‌بندی کرد؟ آیا از نظر قشری، درآمدی، سطح سواد، بی‌کاری و اشتغال و نوع شغل، رویکردهای سیاسی یا مشخصات اعتقادی می‌توان معترضان را دسته‌بندی کرد؟ زمینه‌های بروز این اعترضات چه بود؟ آیا می‌توان علت‌های مشخص و مشهودی را برای بروز این اعتراضات رتبه‌بندی و شناسایی کرد؟ اگر پاسخ آری است، مهم‌ترین علت‌های بروز اعتراضات اخیر را چگونه می‌توان دسته‌بندی کرد؟ چرا این اعتراضات به شکلی کم‌سابقه استمرار داشت؟ چه بخش‌هایی از مناطق شهری با اعتراضات مواجه بود؟ نیروها و احزاب و تشکل‌های سیاسی قانونی در قبال اعتراضات اخیر چه رویکردی داشتند؟ این احزاب و نیروهای سیاسی به تفکیک، چه ابتکاراتی برای مواجهه با شرایط کشور عرضه کردند؟ آیا رویکرد نهادهای انتظامی و امنیتی در مواجهه با اعتراضات اخیر نسبت به گذشته متفاوت بود؟ تلقی مسئولان کشور از زمینه‌ها و علت‌های بروز این اعتراضات چیست؟ آیا رسانه‌های کشور ازجمله صداوسیما دراین‌باره توانستند با اطلاع‌رسانی حرفه‌ای و دقیق و وفادار به امر واقع به ابعاد موضوع بپردازند و... . جدای از پاسخ به پرسش‌های مهمی از این دست نکات دیگری هم می‌توان برشمرد که در کوتاه‌مدت دارای اهمیت است:

۱- فارغ از میزان جمعیت مشارکت‌کننده در اعتراضات اخیر و ابعاد مشارکت در اعتراضات یا همدلی یا ناهمدلی بخش‌هایی از هم‌وطنان با اعتراضات می‌توان گفت اعتراضات اخیر تفاوت‌های محسوسی با اعتراضات خیابانی دو دهه گذشته دارد؛ بنابراین بیش از هر زمان دیگری باید درباره علل و زمینه‌های آن اندیشید و بر این مبنا برای آینده کشور اندیشناک بود. آیا مطالعات و بررسی‌های کارشناسانه جامعی دراین‌باره در دستور کار قرار گرفته است؟ آیا در مواجهه با این اعتراضات تغییری در رویکرد اداره‌کنندگان کشور مشاهده می‌شود؟ و آیا اداره‌کنندگان کشور نیز این تلقی را درست می‌دانند و بر این مبنا در حال بررسی و استفاده از توان کارشناسی کشور برای اعمال اصلاحاتی در روندهای جاری هستند؟ آیا عزمی برای مواجهه عمیق و جامع با تحولات اجتماعی و میان‌نسلی وجود دارد؟ آیا این سناریو بررسی شده است که در صورت استمرار اداره کشور به شکل و شیوه موجود چه اتفاقات یا حوادث و هزینه‌هایی ممکن است بر کشور تحمیل شود؟ آیا متولیان امور برای دریافت و درک واقع‌بینانه و چندجانبه از وضعیت کشور و شنیدن صداهای مختلف، مکانیسمی ارائه کرده‌اند تا تنوعی از نظرات و دیدگاه‌ها و تحلیل‌ها و حتی اخبار را دریافت کنند؟ اگر پاسخ آری است، با چه مکانیسمی؟

۲- افزون بر وجه کشوری اعتراضات اخیر، برخی مختصات محلی نیز اهمیت این توجه و بنابراین ضرورت فوری برای یافتن روش‌های اقناعی را دوچندان می‌کند. یکی از این وجوه اتفاقات جمعه ۸ مهرماه ۱۴۰۱ شهر زاهدان است که شوربختانه با تلفات زیادی روبه‌رو بود. ساختار اجتماعی استان سیستان و بلوچستان و اهمیت طوایف و سرداران و معتمدان محلی و مولوی‌ها و تا حدودی اقشار تحصیل‌کرده که به نوعی برخی از کارکردهای نهادهای واسط را برعهده دارند، می‌تواند کارکردی چندگانه داشته باشد. بر این مبنا در مواجهه با پیامدهای حوادث جمعه ۸ مهرماه در شهر زاهدان جلب مشارکت و اعتماد این اقشار در شرایط موجود می‌تواند به حل‌وفصل موضوع منجر شود. ریشه‌یابی و مدیریت عقلایی و مدبرانه آن برای تعمیق انسجام ملی ضروری است. بررسی و بازبینی این رویداد نیز نیازمند توجه به ریشه‌ها و زمینه‌ها و نیز اتفاقاتی است که اگر مدبرانه با آن برخورد می‌شد، می‌توانست از بروز حادثه جمعه پیش، پیشگیری کند. ظرفیت اجتماعی رؤسای طوایف و مولوی‌ها و استفاده از ظرفیت نخبگان می‌تواند در تحقیق و بررسی‌های جاری برای ریشه‌یابی و حقیقت‌یابی از مسائل پیش‌آمده نقشی مشهود بر دوش گیرند. این مهم نیازمند تغییر رویکردهاست. بی‌اعتنایی به آن چه روی داده یا توسل به روش‌های پیشین نتیجه‌ای در پی نخواهد داشت. کشور در این شرایط بیش از هر زمان دیگری نیازمند تصمیمات خردپایه و عقلایی است.

حسین ماهینی آزاد شد



حسین ماهینی کاپیتان سابق پرسپولیس و بازیکن سابق تیم ملی پس از چندروز بازداشت به قید وثیقه آزاد شد.به گزارش انصاف ورزشی، حسین ماهینی کاپیتان بوشهری سابق پرسپولیس و بازیکن سابق تیم ملی فوتبال ایران، پس از فعالیت های مجازی خود در وقایع اخیر ایران و همچنین حمایت از علی کریمی که بعد از مرگ تلخ مهسا با ژینا امینی صورت گرفته بود توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده بود، اما پس از پنج شب بازداشت توسط نیروهای امنیتی ماهینی با قید وثیقه آزاد شد که این بدین معناست که پرونده ماهینی همچنان باز محسوب می شود و احتمال دادگاهی شدن وی وجود دارد.

معاون استاندار:

۲۰۰ نفر در ناآرامی های بوشهر بازداشت شدند

معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار بوشهر از دستگیری ۲۰۰ نفر در ناآرامی های اخیر در بوشهر خبر داد. به گزارش عصر ایران، معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار بوشهر تصریح کرد: تعدادی از افراد در ارتباط با برخی تجمعات کوچک چندنفره در استان بوشهر بازداشت شدند، که اغلب این افراد آزاد شده‌اند و لیدرهای اصلی بازجویی شده‌اند. وی افزود: در حوادث اخیر استان فوتی و مجروح نداشتیم.

روزنامه جمهوری اسلامی:

مرکز مورد نظر آقای رئیس جمهور برای گفتگو، نقد و حتی اعتراض کجاست؟

روزنامه جمهوری اسلامی در سرمقاله خود با اشاره به مصاحبه تلویزیونی رئیس جمهور نوشت: با آقای رئیس جمهور هم عقیده هستیم که «اعتراض هیچ اشکالی ندارد، اما باید جلوی اغتشاش را گرفت» ولی سؤال اینست که مردم چگونه اعتراضات خود را مطرح کنند که عده‌ای از اقدام آنها سوءاستفاده ننمایند و آن را به اغتشاش تبدیل نکنند؟

شاید بتوان پاسخ این سؤال را از سخنان خود شما آقای رئیس جمهور در همین گفتار تلویزیونی به دست آورد آن جا که گفته‌اید: «نباید انتقادات درباره روش اجرای قانون را محدود کرد. چه اشکالی دارد برای گفتگو، نقد و حتی اعتراض، مرکزی را قرار دهیم که بشود مرکز گفتگو، نقد و حتی اعتراض کردن نسبت به برخی مشکلات؟»

اکنون سؤال اینست که این تجدید نظر در روش اجرای قانون، چه وقت محقق خواهد شد؟ و این مرکز مورد نظر آقای رئیس جمهور برای گفتگو، نقد و حتی اعتراض کجا خواهد بود و از چه زمانی معترضان می‌توانند در آن جا جمع شوند و مطالبات خود را مطرح کنند؟

مشکل اساسی این است که عده‌ای خاص، سال‌ها و بلکه دهه‌هاست که هر وقت اراده کنند، در هر مکانی که بخواهند و هرگونه که مایل باشند، راه‌پیمائی می‌کنند، تجمع می‌کنند، شعار می‌دهند و هر کاری که مایل باشند انجام می‌دهند بدون آن که مجوزی داشته باشند و البته بدون آن که پیگرد قانونی شوند. در مقابل، عده‌ای برای دریافت مجوز راه‌پیمائی یا تجمع، با در بسته مواجه می‌شوند و اگر ناچار شوند مطالبات خود را به شکلی مطرح کنند، گرفتار فرصت‌طلبانی می‌شوند که اعتراض آنها را به اغتشاش تبدیل می‌کنند.

اگر بلافاصله بعد از وعده‌ای که درباره مرکزی برای گفتگو، نقد و اعتراض می‌دهید، آن مرکز را هم مشخص کنید، مسئولان صدور مجوز نیز بدون تبعیض مجوز صادر کنند و نهادهای امنیتی نیز امنیت این تجمعات را برعهده بگیرند، آن چه مورد نظر شماست محقق خواهد شد بدون آن که اغتشاشی به وجود بیاید. با این اقدام، وحدت ملی نیز که شما بر آن تأکید کرده‌اید تأمین خواهد شد و معترضان نیز به مطالبات مشروع و قانونی خود خواهند رسید.

کیهان علیه بیانیه ۵ اقتصاددان مشهور

روزنامه کیهان نوشت: از روز گذشته بیانیه‌ای متعلق به گروهی ۵ نفره از کارشناسان اقتصادی که عموما متعلق به جریان لیبرال هستند منتشر شده است.

این بیانیه خیلی زود دم خروس نویسندگان را بیرون زده است؛ آنجا که سراغ همان حربه قدیمی یعنی برجام رفته‌اند، همان قصه‌ای که با تمسک به آن، سال‌ها اقتصاد کشور را سرگردان و به بدترین شکل ممکن شرطی کردند. در این بیانیه همچون گذشته که هزینه‌های خیالی تعویق برجام را برای کشور فاکتور می‌کردند، بر این که حل مشکلات ایران بدون چالش‌های موجود در حوزه سیاست خارجی و داخلی نیازمند دو دهه زمان است تأکید کرده‌اند.

دولت‌های یازدهم و دوازدهم از سوی این به ظاهر اقتصاددانان حمایت می‌شد و مدعی بود باید برای حل مشکلات کشور چشم امید به خارج بست، کشور را در حوزه اقتصاد عقب نگه داشت ولی حالا این افراد به جای پاسخگویی در مقام مدعی برآمده و در شرایط حساسی که کشور از سوی دشمنان داخلی و همکاران داخلی آنها زیر هجمه قرار دارد، فرصت را غنیمت شمرده‌اند تا به فرافکنی بپردازند.

روزنامه دنیای اقتصاد:

نارضایتی عمومی هست، چون رفاه مردم کم شده

روزنامه دنیای اقتصاد نوشت: ایران در دهه‌های اخیر، در عرصه سیاست به سمت نوعی شبه‌تک‌جناحی و حزبی بودن حرکت کرده و دخالت‌های گسترده دولت به پشتوانه درآمدهای نفتی به این نهاد امکان فعالیت گسترده داده است؛ به این صورت که در سازوکارهای نهانی این شبه‌حزب است که بسیاری از امور سیاسی، اقتصادی و حتی فرهنگی تنظیم می‌شود.

در نتیجه، منتخبان انتخابات، مدیران اصلی و میانی دولت و شرکت‌های دولتی و شبه‌دولتی، شهرداری‌ها، مدیران موسسات دولتی مانند بیمارستان‌ها و دانشگاه‌ها و حتی مدارس و حتی استخدام و ترفیع و ارتقای پرسنل آنها، همه از این کانال انجام می‌شود.

در نتیجه، آزادی سیاسی و به تبع آن آزادی اقتصادی و فرهنگی در ایران طی سال‌های اخیر محدود شده است. در چنین شرایطی هرچند طبق قانون، نهادهای دموکراتیک و بوروکراتیک در جامعه وجود دارند؛ اما نتوانسته‌اند رفاه مردم و توسعه بلندمدت کشور را تضمین کنند.

کاهش ۳۵درصدی درآمد سرانه، کاهش مصرف سرانه کالاهای اساسی، افزایش هزینه زندگی به دلیل تورم، جبران‌نشدن قدرت خرید و دستمزد، نابرابری و فقر و ضعف در تنظیم درست روابط بین‌المللی و برنامه‌های اقتصادی داخلی، همه از کاهش رفاه مردم حکایت دارند.

همچنین، سال‌هاست که ایران از مسیر توسعه بلندمدت خود خارج شده است و سال به سال، سهم آن از تولید و تجارت جهانی کاهش می‌یابد و در شاخص‌های رقابت‌پذیری جهانی افت می‌کند.

در ایران کنونی به دلیل اینکه نهادهای سیاسی و اقتصادی کیفیت مناسبی ندارند، آزادی محدود شده است و خواسته‌های مردم در عرصه سیاستگذاری نمایان نمی‌شود؛ بنابراین رضایت عمومی جلب نشده است. راهکار این است که زمینه‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی ایران در عرصه سیاست در نظر گرفته شود.

اقتصاد ایران ذاتا خصوصی است و سابقه دخالت گسترده دولت در آن کمتر از صد سال است، تنوع فرهنگی و ادعای فرهنگی زیادی دارد، قدرت سیاسی به‌شدت متکثر است و هربار متمرکز شده، به‌سرعت پخش شده است.

بنابراین، نباید با یک وضعیت شبیه به تک‌حزبی که نمی‌تواند مانند چین بوروکراسی باکیفیتی تدارک ببیند، آزادی این اقتصاد و فرهنگ و سیاست متنوع و متکثر را محدود کرد؛ بلکه باید هر عرصه و صنفی توسط ذی‌نفعان خودش مدیریت شود؛ امنیت توسط نظامیان، آموزش توسط دانشگاهیان و معلمان، سلامت توسط پزشکان و پرستاران، ورزش توسط ورزشکاران، هنر توسط هنرمندان، کسب‌وکار توسط فعالان اقتصادی و سیاستگذاری توسط کارشناسان متبحر.

مدیر همشهری:

طوری پلتفرم‌ها را ببندید که با هیچ فیلترشکنی باز نشود!

مدیرعامل روزنامه همشهری در یادداشتی نوشت: آقایان مسئول راه همین است و لاغیر. در رفتارهای آشوب‌طلبانه نمانید؛ باید ذهن‌ها را از پیشروی دشمن آزاد کرد و نه صرفا خیابان‌ها.

البته تدبیر باید جامع باشد؛ بستن پلتفرم‌ها و همزمان جایگزینی کامل آنها؛ آن هم نه به‌نحوی که با فیلترشکن باز شود... همزمان نیز جایگزینی بی‌عیب و نقص. اگر نداریم، بخریم. با کشورها و شرکت‌هایی که حاضرند در چارچوب قوانین ما کار کنند، مذاکره کنیم.

فاضلاب شهری بوشهر دامنگیر خلیج فارس و ساحل نشینان

پساب‌های شهرهای ساحلی بوشهر سرمایه‌ای که می‌تواند در سال‌های بی آبی بسیار کارگشا باشد اما به علت فقدان تصفیه‌خانه‌ها نه تنها بدون استفاده هدر می رود بلکه دامنگیر خلیج فارس و به بلای جان تنوع زیستی این دریا و تهدید سلامت ساحل نشینان آن بدل شده است.

به گزارش خبرنگار ایرنا، مرز ۹۳۶ کیلومتری استان بوشهر با خلیج فارس سبب شده تا ۸۰ درصد از مجموع ۱۰ شهرستان این استان، ساحلی باشد و از شهرستان‌های ساحلی تنها بوشهر، گناوه و دیلم دارای سیستم تصفیه فاضلاب شهری بوده و عسلویه، کنگان، جم، تنگستان و دیر از داشتن شبکه فاضلاب شهری و تصفیه خانه محروم هستند، به همین دلیل پساب‌های تولید شده در این شهرها راهی دریا شوند.

به گفته معاون بهره برداری و توسعه شرکت آب و فاضلاب استان بوشهر به عنوان نمونه در شهر دیر، عسلویه و کنگان به عنوان مرکز شهرستان‌های ساحلی فاقد شبکه فاضلاب و تصفیه‌خانه شهری، به ترتیب سالانه بیش از یک میلیون و ۸۰۷ هزار متر مکعب، ۸۴۵ هزار و ۴۸ متر مکعب و در کنگان سه میلیون و ۹۷۰ هزار متر مکعب فاضلاب تولید می‌شود.

این پساب‌ها به ویژه در سال‌های متداوم خشکسالی می‌توانند با تصفیه استاندارد، به سرمایه‌ای دائمی تبدیل شوند و برای استفاده در بخش کشارزی، شست وشوی محیط و فضای سبز شهری بسیار کارساز باشند؛ اما این منابع آبی ارزشمند در استان بوشهر کم‌آبی چون بوشهر بدون تصفیه از دسترس خارج می‌شود.

سرمایه‌های ارزشمندی که هدر می‌روند

مدیرکل حفاظت محیط زیست استان بوشهر در گفت‌وگو با ایرنا این موضوع را "چالش‌های بزرگ حفاظت از محیط دریایی استان بوشهر" توصیف می‌کند و می‌گوید: غفلت از فرصت بزرگ و ارزشمند تصفیه فاضلاب‌های شهری برای استان بوشهر آن را به تهدیدی تبدیل کرده است که مقابله هر چه سریعتر با آن الزامی است و راهکار آن توسعه و احداث تصفیه‌خانه‌هایی است که می‌تواند حجم بالایی از نیاز آبی این استان را تامین کند.

به گفته او امروز صنایع استان بوشهر که برای فعالیت نیاز به آب دارند، مجبور به استفاده از ظرفیت آب شیرین‌کن‌هایی هستند که با هزینه گزاف و البته شورآبه‌های مخربی که بر جای می‌گذارند تامین می‌شود و هم دولت (با پرداخت یارانه) و هم تولید کننده در خرید آب گران قیمت متضرر می‌شوند.

او می‌گوید: اداره کل محیط زیست در این زمینه با پیگیری‌ها و مکاتبه‌های بسیار، جلسات تخصصی هم‌اندیشی برگزار کرده و کارگروه فاضلاب تشکیل شده است اما روند بهبود این شرایط بسیار کند است.



پساب‌ها عامل تهدید و تخریب اکوسیستم خلیج فارس

بُعد دیگر و تامل برانگیز این فقدان زیرساخت، این است که فاضلاب‌های شهری تولید شده به خلیج فارس می‌ریزد و بار آلودگی آن این زیست‌بوم ملی و گرانقدر را تهدید و تخریب می‌کند طوریکه مسئولان پایش و حفاظت محیط زیست دریایی استان بوشهر، پیوسته این را از مهمترین چالش‌هایی عنوان می‌کنند که خلیج فارس با آن روبرو است.

رشد و تمرکز بالای جمعیت در نوار ساحلی و نبود شبکه جمع آوری و تصفیه خانه‌های کارآمد فاضلاب شهری سبب شده است تا سالانه میلیون‌ها متر مکعب پساب خام روانه اکوسیستم دریایی استان بوشهر شود.

به گفته رئیس مرکز اقیانوس‌شناسی بوشهر ورود فاضلاب به دریا به دلیل داشتن مقادیر بالایی از مواد مغذی، میکروبی و فلزات سنگین آلایندگی و مخاطرات بسیاری دارد و اثرات کوتاه و بلند مدت بر پایداری حیات ساحلی به جای می‌گذارد.

مریم قائمی می‌گوید: این آلودگی شاخص‌های مطلوب محیط زیست دریایی را کاهش می‌دهد و تنوع زیستی را در آب‌های این منطقه تهدید می‌کند.

او ادامه می‌دهد: این نوع آلودگی با ایجاد یک لایه نازک روی سطح آب علاوه بر تخریب چشم‌انداز ساحلی، انقراض برخی از گونه‌های آبزی را هم به دنبال دارد.

به اعتقاد او این آثار سوء در مناطق حساس ساحلی مانند تجمع‌های مرجانی، زیستگاه‌های ساحلی و جنگل‌های حرا بیشتر است.

آن طور که رئیس مرکز اقیانوس‌شناسی بوشهر توضیح می‌دهد: آلودگی پساب‌ها به دلیل داشتن غلظت بالای فسفات و نیترات، سبب رشد بی‌رویه جلبک‌ها می‌شود و با کاهش اکسیژن محلول در آب، عاملی برای مرگ ماهی‌های خلیج فارس است.

آلودگی پساب‌ها؛ دامنگیر سلامت ساحل‌نشینان

اما این پایان آسیب‌هایی نیست که پساب‌های تولید شده از سوی ساحل‌نشینان به خلیج فارس وارد می‌کند، بلکه به گفته قائمی این آلاینده‌ها ترکیب، فراوانی و پراکنش موجودات دریایی را تغییر می‌دهد و باعث تخریب جوامع کف‌زی می‌شود.

آلودگی‌های میکروبی و فلزات سنگین محلول در این پساب‌های خام علاوه بر حیات زیستمندان خلیج فارس، به تهدیدی برای سلامت انسان نیز تبدیل شده است و از سویی به زنجیره غذایی او راه می‌یابد و از سویی با آلوده کردن شناگاه‌ها به عاملی برای بیماری بدل می‌شود.

رئیس مرکز اقیانوس‌شناسی بوشهر بر اساس پایش‌هایی که به گفته او هر ۲ ماه یکبار از سوی این مرکز انجام شده است، اذعان می‌کند که بار آلودگی میکروبی به ویژه در شناگاه‌های استان بوشهر «پر رنگ» دیده می‌شود و شنا در این محیط‌ها عاملی برای بیماری‌های گوارشی و پوستی است.

سخنان مدیرکل حفاظت محیط زیست استان بوشهر نیز بر آلودگی بیشتر شناگاه‌های شهری استان بوشهر صحه می‌گذارد؛ فرهاد قلی‌نژاد پیشتر به خبرنگار ایرنا گفت: ورود فاضلاب‌های خاکستری که بخشی از پساب‌های تولید ساکنان شهرهای ساحلی است از طریق کانال‌های دفع آب‌های سطحی به دریا وارد می‌شود و شاهد آلودگی میکروبی در بخش ساحلی و آب‌های کم عمق مجاور این خروجی‌ها هستیم، طوری که در شهرستان بوشهر از ۶ شناگاه تنها ۲ مورد پاک است؛ البته برخی از شناگاه‌ها در دیگر شهرستان‌های این استان خارج از محدوده شهر و پاک یا به نسبت پاک است.

از سوی دیگر، آن طور که قائمی می گوید: فلزات سنگین موجود در فاضلاب‌های شهری جذب، مسمویت و پایداری بالایی دارد و با جذب در زنجیره غذایی دریایی، اثرات منفی بر سلامت آبزیان، انسان و اکوسیستم‌های دریایی می گذارد.

گره کور ایجاد شبکه فاضلاب شهری در استان بوشهر

هر چند راه‌حل این چالش که هزینه‌های بسیاری برای اکوسیستم خلیج فارس و سلامت و اقتصاد همسایه‌های آن دارد، به صورت روشن و مشخص ایجاد شبکه‌های کارآمد فاضلاب شهری، احداث تصفیه خانه‌ها و استفاده بهینه از این آب است، اما تحقق این مهم و شتاب‌بخشی به فرآیندهای آغاز شده گره کوری به نام "اختصاص اعتبار" دارد.

به گفته معاون بهره برداری و توسعه شرکت آب و فاضلاب استان بوشهر اعتبار لازم برای مطالعات این پروژه‌ها باید از طریق منابع استانی تامین شود تا با تکمیل مطالعات فاز یک و ۲، مجوز ماده ۲۳ را دریافت کنیم و در سازمان برنامه و بودجه ردیف مالی دریافت کند؛ سپس برای احداث آن اعتبارات ملی تخصیص شود.

هزینه‌های سنگین پروژه‌ها، شبکه فاضلاب را از اولویت خارج کرده است

تهدید ورود میلیون‌ها متر مکعب پساب خام به دریا حتی با نگاهی غیردقیق نیز بر کسی پوشیده نیست و البته آسیبی که در چرخه‌ای طبیعی دامان انسان ساحل نشین را می‌گیرد؛ اما آن طور که معاون بهره برداری و توسعه شرکت آب و فاضلاب استان بوشهر می‌گوید: ایجاد شبکه‌های فاضلاب شهری هزینه سنگینی دارد که اکنون در اولویت مدیریت استانی قرار ندارد.

به گفته دوانی در زمان حاضر تامین آب مورد نیاز و تکمیل پروژه‌های نیمه تمام در اولویت تخصیص اعتبار استان بوشهر قرار گرفته است.

او پیشنهاد می‌کند که بخشی از اعتبار مسئولیت اجتماعی صنایع در استان بوشهر برای تکمیل مطالعات ایجاد شبکه فاضلاب و تصفیه خانه شهرستان‌های کنگان، عسلویه، جم و دیر جذب شود تا بتوانیم با اتمام این فرآیند، برای اجرا از اعتبارات ردیف مالی دریافت کنیم و در این راستا مکاتباتی نیز انجام شده است.

با وجود کمبود اعتبارات، اما به گفته مدیر کل حفاظت محیط زیست استان بوشهر نیز شایسته توجه است که تامین نشدن اعتبار لازم برای پیشرفت و احداث تصفیه‌خانه‌های فاضلاب به عنوان دلیل کندی و توقف این مهم مطرح می‌شود اما باید در این زمینه خسارت‌های وارد شده به تنوع زیستی و آبزیان هم محاسبه شود.

اشتغال ۹میلیون نفر در اینستاگرام

گرچه به نظر می‌رسد دولت در مسدود کردن برخی شبکه‌های اجتماعی ازجمله اینستاگرام مصمم است و حتی پیش از اعتراضات روزهای گذشته حرف و حدیث‌ها در مورد صیانت خاموش به‌شدت قوت گرفته بود، اما نظرسنجی مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا) از اقبال مردم از شبکه‌های اجتماعی خارجی حکایت دارد. شهریور ۱۴۰۰ ایسپا اعلام کرد: «واتساپ از رسانه‌های اجتماعی پرطرفداری است که فقط ۳/۱درصد از کسانی که حداقل از یک رسانه اجتماعی استفاده می کنند، گفته‌اند از آن اصلا استفاده نمی کنند. اما ۴۴/۸درصد در طول روز به‌طور مستمر از آن استفاده می کنند. ۴۰/۶درصد روزی یک یا چندبار، ۹/۲درصد هفته‌ای یک یا چندبار و ۲/۲۳درصد ماهی یک یا چندبار از واتساپ استفاده می‌کنند.

بعد از واتساپ، اینستاگرام رسانه محبوب ایرانیان است و آنطور که این‌بار مرکز پژوهشی بتا خبر داد، درآمد ۹میلیون نفر از اینستاگرام تامین می‌شود و در ادامه گفته که پوشاک، آرایشی و بهداشتی، مشاوره و خدمات بیشترین مشاغل حاضر در اینستاگرام هستند.

ایسپا همچنین در ادامه گزارش خود از محبوبیت پایین پیام‌رسان‌های داخلی هم خبر داده است. «۷۸درصد کاربران رسانه‌های اجتماعی از روبیکا استفاده نمی‌کنند. فقط ۷۱درصد در طول روز به‌طور مستمر، ۶/۸درصد روزی یک یا چندبار، ۷/۶درصد هفته‌ای یک یا چندبار و ۵/۹درصد ماهی یک یا چندبار از آن استفاده می‌کنند. سروش یکی دیگر از رسانه‌های اجتماعی داخلی است که ۸۸/۱درصد کاربران رسانه‌های اجتماعی از آن استفاده نمی‌کنند و فقط ۰/۸درصد شهروندان در طول روز به‌طور مستمر به آن سر می‌زنند. ۳/۸درصد روزی یک یا چندبار، ۳/۷درصد هفته‌ای یک یا چندبار و ۳/۵درصد ماهی یک یا چندبار وارد سروش می‌شوند.»

در باب لزوم یادگیری زبان نسل جدید

سام سکوتی بداغ

در سال های پس از انقلاب بارها گروه هایی از مردم به دلایل خاصی دست به اعتراض زده اند و هر بار به شکلی و در مدت زمان خاصی این اعتراضات فروکش کرده و تا حادثه تحریک کننده جدید، خبری از اعتراضات نبوده است و این اعتراضات هم غالبا در شهرهای بزرگ و بیشتر تهران به وقع پیوسته است، اما این بار شکل و پراکندگی جغرافیایی اعتراضات تفاوت هایی با آنچه در گذشته شاهد بودیم، دارد.

یکی از مهترین تفاوت اعتراضات اخیر، حضور نسلی در کانون اعتراضات بود است که شیوه و شکل تربیتی آنها با نسل های گذشته کاملا متفاوت است؛ اگرچه در درون همین سیستم درس خوانده اند اما کمتر تحت تاثیر آموزش و پرورش رسمی کشور قرار دارند و استانداردهایی متفاوت تر از نسل های پیشین و حتی پدران و مادران خود دارند و شاید یکی از دلایل پیچیدگی مهار این اعتراضات، همین عدم آشنایی با تعلقات و خواسته های آنان و حتی زبان آنان بود.

شخصا به عنوان معلمی که سعی در بروز داشتن اطلاعات و زبان گفتاری خود دارم بارها با کلمات و عباراتی از این نسل مواجه شده ام که مجبور به کنکاش برای رسیدن به یک معرفت شناسی مشترک با این نسل شدم.

مقدمه فوق برای این بود که به نقش پررنگ "سلبریتی ها" در این اعتراضات بپردازم، این که چند اسم در میان اسامی ورزشکاران و هنرپیشه گان برجسته تر شده است و یا آنان به این تشخیص رسیده اند که باید با معترضین همراهی کنند نشان می دهد که شناخت و امکان ارتباط آنان با نسل کانونی اعتراضات اخیر، بهتر از مدیران کنونی دستگاه های فرهنگی و سیاسی کشور است، زیرا آنان به درستی درک کرده اند که این گروه وَقع چندانی به دیگر گروه های مرجع نمی نهندَ و بیشترشان با موسیقی رپ که بی شک سرعت رشدی بیش از موسیقی کلاسیک داشته - که هم نسلان من با آنها عاشق شده و اشک ریخته اند - گوش می دهند.

شتاب اجتماعی را نه فقط در موسیقی بلکه در کنش و واکنش امروزی این نوجوانان هم می توان به آسانی مشاهده کرد و سرعت تخریب و تحریک آنان هم به تناسب دیگر حوزه ها بسیار بالاست.

نوجوانان کشور ما با هنرمندان و فوتبالیست ها بیشتر خوشحال شده اند تا با اقدامات تصمیم سازان و تصمیم گیرانی که این روزها قاطبه جوانان حاضر در خیابان حتی اسامی آنها را هم نمی دانند.

اینکه "سلبریتی ها" توانسته اند نقش تاثیر گذاری بر روی این قشر اجتماعی داشته باشند چندان به دانش و هوش آنان ارتباط ندارد بلکه این بی توجهی مسئولین بوده است که چنین فضا و فرصتی را برای آنان فراهم کرده است تا نقش رهبری را به دست بگیرند و شاید بتوان ادعا کرد که اگر از بیشتر همین افراد سوال کنید نه چنین ادعایی دارند و نه حتی قصدی برای انجام چنین ماموریتی!

نهادهای امنیتی اگر اراده ای برای حل پایدار مساله و جلوگیری از رویدادهای مشابه در آینده دارند، باید یاد بگیرند که با نسل جدید با زبان خودشان صحبت کنند.

عصر ایران

رسانه ارگان علیه روزنامه‌نگاری حرفه‌ای

رضا غبیشاوی



اول - رسانه های ارگان به رسانه هایی گفته می شود که توسط نهادها و ارگان ها و سازمان های دولتی و حکومتی تاسیس می شوند و هدف از راه اندازی آنها فعالیت تبلیغاتی و روابط عمومی آن دستگاه است البته با ظاهر روزنامه نگاری و رسانه. چنین رسانه هایی از استقلال لازم برخوردار نیستند؛ به دنبال فعالیت رسانه ای بی طرفانه و به دور سوگیری نیستند و موضع دارند.

دوم - ایران دارای رسانه های ارگان پرتعدادی است. شاید هیچ کشوری در جهان را نتوان یافت که به اندازه ایران دارای رسانه های ارگان شامل روزنامه و خبرگزاری و ... باشد.

سوم - رسانه های ارگان در ایران دارای نقاط مثبت و منفی متعددی هستند. نقاط مثبت از جمله اینکه به لحاظ مالی و زیرساخت و پشتیبانی، زمینه لازم را برای فعالیت رسانه ای باکیفیت فراهم می کنند. می توان به روزنامه های همشهری (زیرمجموعه شهرداری تهران) و ایران (زیرمجموعه دولت) از ابتدای راه اندازی تا سال ۸۴ یا ایسنا در سال های ابتدایی کاری و ... اشاره کرد که زمینه فعالیت رسانه ای کیفی را فراهم کردند و به محلی برای معرفی و درخشش روزنامه نگاران برجسته ای تبدیل شوند. بخش مهمی از روزنامه نگاران کیفی و خوشنام ایران کار را با این دسته از رسانه ها آغاز کردند. بخش مهمی از گزارش ها و خبرهای مهم و تاثیرگذار در حمایت از حقوق جامعه ایرانی توسط این بخش از رسانه ها منتشر شده اند. بخش مهمی از روزنامه نگاران کیفی در شهرها و استان ها با استفاده از امکانات و فضای این دسته از رسانه ها توانستند با خروج از محیط سنتی محلی، به فعالیت حرفه ای بپردازند. در دوره برخی دولت ها، به دلیل حضور روزنامه نگاران و سردبیران حرفه ای در راس این رسانه ها، آنها توانستند به طور نسبی مسیر حرفه ای و اخلاقی را طی کنند اما در دوره برخی دولت های دیگر، این روند، عکس بود.

اگر بخواهیم درباره نقاط منفی رسانه های ارگان بپردازیم باید بگوییم: از نقاط منفی این رسانه ها می توان به این نکته بزرگ اشاره کرد که این رسانه ها در حوزه های مرتبط با نهاد بالادستی (مستقیم یا غیرمستقیم) به دور از استقلال و نگاه حرفه ای و اخلاقی به فعالیت رسانه ای می پردازند و به جای کار روزنامه نگاری، در مسیر تبلیغات و روابط عمومی نهاد بالادستی حرکت می کنند. علاوه بر این، برای این دسته از رسانه ها به جای اینکه مردم، اهمیت داشته باشد نهاد بالادستی اهمیت بیشتری می یابد و مخاطب اصلی به جای مردم به نهاد بالادستی تبدیل می شود. وقتی میان نهاد بالادستی و شهروندان عادی، نزاع و اختلافی به وجود می آید رسانه ارگان به جای اینکه به واقعیت های ماجرا بپردازد به دنبال منافع و حمایت از نهاد بالادستی خود است. مثلا اگر یک شرکت هواپیمایی، روزنامه تاسیس کند و زمانی میان مسافران و این شرکت هواپیمایی بر سر خدمات دهی، اختلاف و نظر و بحث و جدلی به وجود بیاید فارغ از موضوع اختلاف و اعتراض و اینکه واقعیت چیست و حق با کیست و مسئله چرا و چگونه به وجود آمده این روزنامه به نفع شرکت هواپیمایی اطلاع رسانی خواهد کرد. هم خبرها و هم یادداشت ها و هم گزارش ها و مصاحبه ها همه و همه جهت دار و در مسیر حمایت از موضع شرکت هواپیمایی است. این در حالی است که در چنین شرایطی دیگر نمی توان بر این روزنامه اسم روزنامه گذاشت بلکه بولتن تبلیغاتی است که هر روز چاپ و توزیع می شود گرچه در شکل و شمایل شبیه روزنامه های دیگر باشد. بدتر اینکه برخی روزنامه نگاران و خبرنگارانی که در این روزنامه فرضی کار می کنند حمایت از موضع شرکت هواپیمایی در روزنامه را عادی و وظیفه خود می دانند در صورتی که اصول حرفه ای - اخلاقی می گوید روزنامه نگار همه جا باید به واقعیت پایبند باشد و در فعالیت خبررسانی و گزارش اتفاقات، بی طرفی را رعایت کند و استقلال حرفه ای داشته باشد.

در این شرایط چند اتفاق بدتر رخ می دهد.

انحراف در خبررسانی

در این رسانه ها با توجیه و بهانه حمایت از موضع نهادبالادستی، تهیه و انتشار خبرها به دور از واقعیت ها و همراه با موضع گیری و انحراف های روشن یا تاکتیکی انجام می شود.

اخلال در فعالیت اطلاع رسانی

فعالیت اطلاع رسانی که بر محور انتقال واقعیت ها در چارچوب های حرفه ای واخلاقی است با انتشار خبرهای به دور از واقعیت یا ناراست یا جعلی، در اطلاع رسانی اختلال ایجاد می کند. همچنین چون این روند با حمایت و تایید نهاد بالادستی انجام می شود در نتیجه هم مصون از بازخواست است و هم قابلیت منع و احقاق حقوق افراد آسیب دیده، سخت و دشوار می شود.

مشروعیت بخشی به اطلاع رسانی انحرافی

وقتی این روند اطلاع رسانی از سوی شرکت ها و سازمان ها و ارگان های مختلف غیرخصوصی و غیرعمومی دنبال شود کم کم به این روند اطلاع رسانی نادرست مشروعیت داده شده و این روند عادی و پذیرفته می شود.

مقاومت نهاد بالادستی در برابر اشتباهات

با این شکل اطلاع رسانی نادرست، مسوولان در نهاد بالادستی در برابر اشتباهات سازمان خود، نه تنها اشتباهات را قبول نمی کنند بلکه از عذرخواهی و تصحیح و حرکت در مسیر تغییر و بهبود شرایط خودداری می کنند.

آنها از طریق رسانه های زیرمجموعه خود با توجیه ها و اطلاعات نادرستی مجهز می شوند تا بتوانند در مقابل انتقادات و اعتراضات و مشکلات ، از پذیرش اشتباهات خودداری کنند بلکه خود در مقابل مطالبه قراربگیرند.

تاثیرگذاری بر نهادهای دیگر

چنین رسانه هایی با چنین اطلاع رسانی اتحرافی و ضدواقعیت از توان بالقوه ای برای تحت تاثیر قراردادن نهادهای داوری و قضائی و تجمع ها و احزاب و گروه های افراطی و باورمند به تئوری های توطئه برخوردارند. علاوه بر این می توانند نهادهای اداره کننده و تصمیم گیر و تصمیم ساز در جامعه را دچار اشتباه کنند.

روزنامه نگاری ارگانی به جای روزنامه نگاری حرفه ای

با ادامه این روند کم کم روزنامه نگاری ارگانی و تبلیغاتی جای روزنامه نگاری حرفه ای بر مدار واقعیت را می گیرد و آسیب این وضعیت فقط متوجه عرصه اطلاع رسانی نخواهد بود بلکه ضربات جبران ناپذیری به منافع و حقوق مردم و جامعه و اداره امور مردم وارد می کند.

رسانه ارگان و راه حل

روزنامه نگاری ارگان نه تنها به حل مشکل کمکی نمی کند بلکه در مسیر تقویت مشکل و دوری از درک واقعیت و حل مشکل است. چنین وضعیتی نه به سود ارگان و نه بلکه به سود نهادهای بالادستی است چرا که هیچ گاه تبلیغات، جای واقعیت و خبر را نمی گیرد.

«دهه هشتادی ها» محور مهمترین موضوع روز

جعفر محمدی: - «دهه هشتادی ها»، که اینک در دوران پرشور نوجوانی و ابتدای جوانی شان هستند، بی گمان محور مهمترین موضوع روز هستند چرا که اغلب کسانی که در روزهای اخیر برای بیان اعتراضات خود به خیابان ها رفتند، نوجوانان و جوانان متولد اوایل و اواسط دهه ۸۰ خورشیدی اند. فارغ از مطالباتی که آنها در روزهای اخیر فریادش زده اند و بدون قضاوت محتوایی در این باره، باید گفت که نظام سیاسی حاکم بر ایران، هم اکنون با روان شناسی جدیدی از معترضان مواجه است که با جنس معترضان پیشین، تفاوتی جدی دارد.

نسل پدرها و مادرهای دهه هشتادی ها، نسل "اطاعت" بود. به آن نسل یاد داده بودند که باید در برابر "بزرگ ترها"، سر به پایین بیندازند و هر چه شنیدند، بگویند "چشم". اصلاً، ملاک اصلی بچه خوب یا بد بودن همین حرف شنوی از "بزرگ ترها" بود.

این "بزرگ ترها" هم دایره وسیعی را در بر می گرفت: از پدر و مادر و خاله و عمو گرفته تا معلم و مدیر مدرسه و مقامات.

آن نسل، از روی ادب و احترام یا از ترس و بعدها که چیزهایی برای از دست دادن داشت از سر محافظه کاری، اطاعت پذیر بود.

دهه هشتادی ها اما، اطاعت نمی کنند؛ آنها واقع بین تر از پدر و مادرهایشان هستند و لُبّ کلام شان در برابر آن بزرگ ترها این است: به جای دستور دادن، ما را "قانع" کنید.

این یک اصل مسلّم دهه هشتادی است.

از این رو، با این نسل، نمی توان با تحکم، آمرانه و از موضع بالا سخن گفت چرا که مزیت نسبی "بزرگ ترها"ی پیشین که داشتن "اطلاعات بیشتر" بود، به مدد گسترش کتاب و رسانه در بین نسل جدید از بین رفته و آگاهی ها -و شبه آگاهی ها-ی این نسل، در مواردی حتی بیشتر از "بزرگ ترها" شده است.

دهه هشتادی ها بر خلاف نسل پیشین که عمدتا دنیا را در محدوده روستا و شهر و کشور خودشان می دیدند، با ابَر پدیده اینترنت، "جهان آگاه"تر از همه اجدادشان در تمام طول تاریخ شده اند و دارای سطح بالاتری از "مقایسه" و "انتظار" هستند.

بنابراین، برخورد قهری، دستوری و خشونت بار با این نسل، اشتباهی استراتژیک است و می تواند نتایج عکس به بار آورد.

نظام سیاسی حاکم باید این مولفه را در تحلیل وضع موجود و تدوین راهکارهایش مورد توجه جدی قرار دهد و به جای تقویت دستگاه های کنترلگری اعتراضات، "مفاهمه و اقناع" را گسترش دهد.

بدیهی است که اقناع این نسل، با شعار درمانی و مراسم تراپی و بلعیدن بودجه های کلان تبلیغی و فرهنگی توسط صدها دستگاه و بنیاد و موسسه و... میسر نمی شود که اگر می شد، شاهد حوادث اخیر نبودیم (حال بماند که همین بودجه خوارها، مسوول بخشی از بحران کنونی اند).

اقناع هم، معنایی ندارد جز شنیدن حرف های این نسل، گفت و گو از موضع برابر و متعهد بودن به نتیجه آن.

در این مکالمات و مباحثات مستمر، ممکن است آرایی تغییر کند یا اصلاح و حتی تثبیت شود. مهم این است که به برآیند آن که در قالب «خواست اکثریت» خود را نشان می دهد باید احترام گذاشت و به برآوردن مطالبات اکثریت همت گماشت.

در غیر این صورت، نسل جدید، اطاعت نخواهد کرد و نظام با این «نسل متقاعد نشده، اطاعت ناپذیر و البته جسور»، از بحرانی به بحرانی دیگر با آینده ای ناامن حرکت خواهد کرد که به نفع هیچ کس نیست.

عصر ایران

انجمن روانپزشکان ایران:

دانش آموزان با افزایش افسردگی و اضطراب و کاهش امید و شادی مواجه اند

د+بیر علمی سی و نهمین کنگره انجمن روانپزشکان ایران با اشاره به آموزش های مجازی، مشکلات اجتماعی و اقتصادی وارده شده از دوران کرونا و پس از آن، که سلامت روان دانش آموزان را نیز تحت الشعاع قرار داده است، بیان داشت: متاسفانه افزایش افسردگی، اضطراب و زود رنجی را در سنین دانش آموزی بیشتر شاهد هستیم.

به گزارش انجمن روانپزشکان ایران، محمدرضا خدایی اردکانی دبیر علمی سی و نهمین کنگره انجمن روانپزشکان ایران با اشاره به برگزاری این رویداد در روزهای ۱۹ الی ۲۲ مهرماه و همزمان با هفته سلامت روان در سالن همایش های (دکتر غرضی) بیمارستان میلاد تهران، اظهار داشت: طبق تعریف سازمان بهداشت جهانی، سلامتی فقط نداشتن بیماری یا معلولیت نیست، بلکه داشتن رفاه جسمی، روانی و اجتماعی از مهمترین مولفه های سلامت روان است و شعار کنگره امسال بر همین اساس" سلامت روان اجتماعی نیاز به همدلی و اقدام "انتخاب و توانبخشی وتوانمند سازی روانی اجتماعی از محورهای مهم همایش است.



این استاد دانشگاه علوم توانبخشی و سلامت اجتماعی با تاکید بر این مهم، که رسیدن به سلامت روانی اجتماعی فقط با بیان مسئله، شعار و جلسه میسر نمی شود و نیاز به بینش بهتر، نگاه عمیق تر و عقلانی تر، انگیزه بیشتر، همدلی و اقدام عملی احساس می شود، ادامه داد: امید، ادراک خودکار آمدی، کفایت، شایستگی، احساس رضایتمندی، اعتماد به نفس فردی و اجتماعی و شادمانی و عدم وجود درماندگی آمیخته شده، از لازمه های سلامت روان است و در کنار آن نبود فقر و خشونت، عدم وجود بیکاری، عدم وجود تبعیض های قومی – نژادی و جنسیتی، برابری افراد بصورت یکسان در مقابل قانون، احساس امنیت اجتماعی، دسترسی یکسان به خدمات سلامت و امید به آینده بهتر از شاخصه های مهم سلامت اجتماعی به شمار می آیند.

وی به بهانه شروع سال تحصیلی ، در رابطه با اهمیت سلامت روان دانش آموزان در شروع سال تحصیلی جدید به خصوص بعداز دو سال پاندمی کرونا، گفت: سنین دانش آموزی از حساس ترین دوران زندگی است که پایه های اصلی رشد روانی و اجتماعی و هویت در آن شکل می گیرد که شامل نیاز های روانی اجتماعی دوران کودکی و نوجوانی و متاثر از عوامل مختلف فردی، خانوادگی، مدرسه و اجتماع می باشد.

این روانپزشک با اشاره به آموزش های مجازی، مشکلات اجتماعی و اقتصادی وارده شده از دوران کرونا و پس از آن و سایر استرس های اجتماعی، که سلامت روان دانش آموزان را نیز تحت الشعاع قرار داده است، بیان داشت: امروزه امید، شادی، احساس رضایتمندی و نگاه به آینده کم رنگتر شده است، و متاسفانه افزایش افسردگی، اضطراب را در سنین مختلف بخصوص سنین دانش آموزی بیشتر شاهد هستیم.

خدایی اردکانی ادامه داد: برخی از دانش آموزان ترجیح ماندن در خانه و آموزش مجازی و برخی دیگر ترجیح رفتن به مدرسه و آموزش حضوری پیدا کرده اند که این دوراهی، خود به مشکلات روانی دانش آموزان افزوده است.

دبیر علمی سی و نهمین کنگره انجمن روانپزشکان ایران به عوامل مهم و موثر در بهداشت روان دانش آموزان توسط خانواده و مدرسه اشاره کرد و گفت: معلم یک الگوی موثر و کارا برای دانش آموز به حساب می آید و لازم است که این جایگاه حفظ شود و نکته مهم دیگر ایجاد فضای مناسب و مفرح در مدرسه برای دانش آموزان است.

پدر صنعت پرورش میگو ایران هم آسمانی شد

رضا سیاهوشی



بی کوشش انتظار ندارد ثمر، بلی این باغ گردد از اثر پشتکار، سبز به راستی که در پی کوشش، تلاش، پشتکار، زحمت های شبانه روزی و فراوان زنده یاد «مهندس حسین بهمنیاری» در این صنعت نوپا بود که با تحمل همه سختی ها و مرارت ها این باغ سبز گردید. همت بلند دار که نزد خدا و خلق باشد به قدر همت تو اعتبار تو در واقع همت بلند و بدون اغراق در حد ایثار بهمنیاری در به ثمر رساندن تولید میگوی پرورشی در استان بوشهر بود که موجب شد تا امروز صنعت آبزیان کشور در این زمینه به موفقیت و اعتبار برسد. چو کوشش نباشد تن زورمند نیارد سر از آرزوها بلند شناسایی، انتخاب و آباد نمودن بیابان های بایر و غیرقابل کشت مانند «حله» که اولین سایت پرورش میگوی کشور بود و شروع فعالیت تولید این آبزی ارزشمند کاری بس بزرگ بود که با پیگیری های مستمر بهمنیاری و مدیرعامل شیلات ایران زمینه جلب رضایت و پشتیبانی کابینه دولت پنجم را فراهم کرد و پس از آن دیگر نقاط مستعد استان شناسایی و پرورش میگو توسعه یافت تا به امروز که تولید آن از مرز ۵۰ هزارتن فراتر رفته و جایگاهی ارزشمند در صادرات و ارزآوری برای کشور یافته است. کوه نتواند شدن سد ره مقصود مرد همت مردان برآرد از نهاد کوه، گرد بهمنیاری، آن مرد سخت کوش که در معاونت آبزی پروری خدمت می کرد و تحولی در رونق اقتصادی استان، اشتغال زایی و ... ایجاد کرده بود، در دو دوره نیز به عنوان مدیر کل شیلات استان بوشهر خدمت نمود و پس از آن بازنشسته گردید و متاسفانه به دلیل بیماری دیابت خانه نشین شد و پس از سالها تحمل درد و رنج این بیماری دارفانی را وداع گفت. روحش شاد و یادش مانا.

استاد نقشه برداری مزارع پرورش میگو و هوادار وفادار شاهین بوشهر هم آسمانی گردید!



پرورش میگو، عملیات خاکی، نقشه برداری مزارع و یادگاری های عباس مرادی. چقدر تلخ و ناگوار بود شنیدن خبر درگذشت! چطور می توان فراموش کرد زحمات و تلاش های دلسوزانه ای که در بیابان «حله» و در آن گرمای سوزانش کشیدی و خم به ابرو نیاوردی؟! از استارت آبزیان در استان به میدان آمد و چقدر استادانه و باتجربه بسیاری که داشت، به خوبی اجرای نقشه می کرد و کارش به نحو مطلوب انجام می داد. مرد نجیب، بااخلاق، صبور و بامرامی که داغ فرزند جوانش کمرش را خم کرد و چندین سال پس از آن غم سنگین خانه نشین گردید و هرروز تنها جایگاهش شده بود بهشت صادق و نشستن بر سر مزار فرزند عزیزش. بله، عامو عباس هم رفت تا دیگر دوری جگرگوشه اش را بیش از این تحمل نکند و انتظار دیدارش را پایان دهد. خاطرات حله، نقشه برداری هایش، شوخ طبع بودنش، تعصب، عشق و علاقه زیادش به تیم فوتبال شاهین و غصه های فراوانی که از وضعیت کنونی شاهین می خورد، تعریف های شیرین و حرف های دلنشینش را چطور میتوان از یاد برد؟ قدیمی های حله و هر سایتی که رفتی و دوربین زدی و شاهینی ها در بدرقه همیشگی و سفر بی پایانت زانوی غم گرفته و می گویند؛ عباس جان تو هم برو سفر سلامت همان طور که «عامو اکبر کللی» قبل از تو آرام گرفت تا فقط خاطراتش برای شاهینی ها بماند. به راستی؛ چه غریبانه و ناباورانه می روند آنان که دوستشان داریم و آن چه می ماند فقط خاطرات است و بس. جامعه آبزی پروران استان و کانون هواداران شاهین بوشهر ضایعه درگذشت این مرد شریف و عزیز را به خانواده های محترم مرادی و کللی تسلیت عرض می نماید.

معاون غذا و داروی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر:

کمبود برخی داروهای وارداتی در استان بوشهر، مشکل سراسری در کشور است

معاون غذا و داروی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر گفت: کمبود برخی داروها به دلیل وارداتی بودن در این استان مساله ای کشوری است که به صورت سهمیه‌ای توزیع می‌شود.

دکتر یحیی رضایی در گفت وگو با ایرنا افزود: با تدابیر اندیشیده شده داروهای سهمیه‌ای به دلیل وارداتی بودن به صورت مدیریت شده تامین و در بین استان‌ها توزیع می‌شود.

وی اظهار کرد: در همین ارتباط تلاش شده در راستای رفاه حال مردم داروهای مورد نیاز سهمیه‌ای متناسب با جمعیت استان تامین و در اختیار داروخانه‌های تخصصی قرار گیرد.

رضایی سهمیه دارویی استان بوشهر را ۱.۵ درصد کل موجوی کشور اعلام کرد و افزود: کاهش تولید، واردات و افزایش مصرف از جمله دلایلی است که موجب شده در برخی اقلام دارویی در این استان با کمبود روبرو شویم.

وی در خصوص توزیع سِرُم گفت: در زمان حاضر سرم به اندازه مورد نیاز تامین شده است اما در داروخانه به صورت مدیریت شده توزیع می‌شود.

رضایی، اولویت توزیع سرم در استان بوشهر را با بیمارستان‌ها، مراکز بهداشتی درمانی، مراکز بیماران خاص و داروخانه‌ها با اولویت داروخانه‌های شبانه روزی عنوان کرد.

وی ادامه داد: در زمان حاضر برخی از آنتی بیوتیک‌های خوراکی که باید با تجویز پزشک تحویل شود، داروی البومین (داروی جایگزین خون از دست رفته بیماران) در استان به صورت سهمیه بندی و مدیریت شده توزیع می‌شود.

معاون غذا و داروی دانشگاه علوم پزشکی استان بوشهر گفت: قطره نیستاتین (برای درمان عفونت های قارچی دهان در بیمارانی که توان بلع غذا ندارند)، قرص پلاویکس (برای کاهش چسبندگی پلاکت ها و جلوگیری از تشکیل لخته خونی بیماران قلبی)، متفرمین ۱۰۰۰ (داروی افراد دیابتی که در بوشهر فقط دوز ۵۰۰ آن یافت می شود) و قرص نوراستار (برای بیماران پارکینسون) در حال توزیع هستند و مشکلی در تامین آنها وجود ندارد.

آذری جهرمی: فیلتر کردن نتیجه ندارد

آذری جهرمی وزیر سابق ارتباطات با انتشار تصویری از خود در کانال تلگرامی نوشت: از مسئولین اجرایی تا نماینده مجلس، از توانمندان تا تهی‌دستانی در دورترین روستاهای ایران، دیروز با دیدن یک عکس قدیمی که در اینستاگرام منتشر کرده بودم، با من تماس گرفتن یا پیامک زدند. بعضی مزاح کردند و برخی هم نگران اندازه‌ی ریش بودند و بعضی هم حال و احوال کردند.

هدفم هم همین بود؛ به زبان ساده بگویم که فیلتر کردن نتیجه ندارد. مگر تلگرام و واتساپ و اینستاگرام و توییتر و ... و حتی فیلترشکن‌ها بسته نشده، آیا کارساز بود؟ بسیاری از مردم کشور دیروز این عکس رو دیدند و برخی هم واکنش نشون دادند.

در مقام تصمیم و در نظام شیعی، همیشه باید حواسمان به این کلام نورانی حضرت امام صادق علیه‌السلام هم باشد که: «كونُوا لَنا زَيْناً وَ لا تَكونُوا عَلَيْنا شَيْناً».

طلاق در استان بوشهر کاهش یافت

مدیرکل ثبت احوال استان بوشهر گفت: در نیمه نخست امسال ۹۳۰ رویداد طلاق در این استان به ثبت رسیده است که نسبت به مدت مشابه پارسال ۱۱.۴ درصد کاهش داشته است.

اسکندر پاسالار در گفت‌وگو با ایرنا اعلام کرد: بیشترین میزان طلاق در میان زوج های با طول زندگی مشترک یک تا ۲ سال رخ داده است.

وی افزود: همچنین در نیمه نخست امسال در استان بوشهر ۲ هزار و ۹۶۳رویداد ازدواج به ثبت رسیده است که نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۱۰.۷ درصد کاهش یافته است.

پاسلار در ارتباط با سن ازدواج در استان بوشهر گفت: بر اساس آخرین جمع‌بندی صورت گرفته تا تیر ماه امسال بیشترین فراوانی ازدواج در میان زنان ۲۰ ساله با ثبت ۱۸۶ مورد و در میان مردان ۲۷ ساله با ۱۸۳ مورد بوده است اما میانگین سن ازدواج‌های ثبت شده در ۴ ماه نخست امسال در نقاط شهری برای دختران ۲۵.۶ و پسران ۳۰.۸ سال و در روستاها برای دختران ۲۳.۵ و برای پسران ۲۹.۲ بوده است.

جمعیت استان بوشهر به یک میلیون و ۱۹۷ هزار و ۲۹۳ نفر رسید

مدیرکل ثبت احوال استان بوشهر اعلام کرد: در ۶ ماه نخست سال جاری ۶ هزار ۴۰۱ ولادت در این استان به ثبت رسیده است و با این شمار، مجموع جمعیت ایرانیان استان بوشهر به یک میلیون و ۱۹۷ هزار و ۲۹۳ نفر رسید.

وی با بیان اینکه ولادت در استان بوشهر امسال ۶.۹ درصد نسبت به مدت مشابه سال گذشته کاهش یافته است، عنوان کرد: در این مدت بیشترین فراوانی ولادت در میان گروه سنی مادران ۳۰ تا ۳۴ ساله است.

وی اضافه کرد: اکنون بوشهر با ۳۰۸ هزار و ۱۷۷ هزار نفر پر جمعیت‌ترین و دیلم با ۳۵ هزار و ۷۵۰ نفر کم جمعیت‌ترین شهرستان‌های استان بوشهر هستند.

کاهش ۳۴.۵ درصدی رویداد فوت در نیمه نخست امسال در استان بوشهر

مدیرکل ثبت احوال استان بوشهر بیان کرد: در نیمه نخست امسال ۲ هزار و ۳۸۰ مورد پدید فوت در این استان ثبت شد که نسبت مدت مشابه سال گذشته ۳۴.۵ درصد کاهش نشان می‌دهد.

وی اعلام کرد: بیشترین میزان فوت شده‌ها در سال جاری افراد ۷۰ تا ۷۴ ساله با ۱۱.۵ درصد از مجموع رویدادهای ثبت شده بوده اند.

پاسالار افزود: میانگین سن فوت شده‌ها در این مدت برای مردان ۶۳.۷ و برای زنان ۶۹.۶ سال است.

تولد ۱۱۴ چندقلو در استان بوشهر

مدیرکل ثبت احوال استان بوشهر اعلام کرد: امسال ۳.۶ درصد ولادت‌های ثبت شده در استان بوشهر مربوط به چندقلوزایی است و در نیمه نخست امسال ۱۱۴ رویداد چندقلوزایی در این استان ثبت شده است که ۱۱۱ مرد دوقلو و ۳ مورد سه قلو بوده‌اند.

پاسالار عنوان کرد: در نیمه نخست امسال برای دختران به ترتیب فاطمه، زهرا، زینب، رستا، فاطمه زهرا، حلما و رقیه پرتکرارترین نامه‌ها بوده است.

وی اضافه کرد: پرتکرارترین نام‌های برای پسران نیز به ترتیب حسین، محمد، علی، امیرحسین، امیرعلی، رضا و آراد هستند.

مهارت ایجاد وقفه در تنش‌های زناشویی

عبدالصالح خزائی (دکترای تخصصی روانشناسی)



در زندگی مشترک هر چقدر که همخوانی و سازگاری بین زوجین باشد و ارتباط نزدیک و صمیمی میان آنها حکمفرما باشد، بعضاً بنابر مسائلی و تعارضاتی این روابط و سازگاری خدشه دار می‌شود و جایی فرا می‌رسد که آنها با همدیگر نظرات متفاوت داشته و موقعیت را به نفع خود تفسیر می‌کنند و چه بسا این اختلاف و تعارضات منجر به مشاجرات و تنش زوجی منتهی می‌گردد. البته این تنش و درگیری‌ها منبعث از عواملی مانند ضعف زوجین در مهارت همدلی و دیدگاه فهمی آنها، دخالت خانواده های اصلی، اختلاف در تربیت فرزندان، مسائل شغلی و مالی، ارتباط بین فردی ضعیف و یا مسائل فردی مانند تحریف و خطاهای شناختی، ضعف در مهارت‌های فردی مانند حل مساله، بیان احساسات و نیازها به نحو مطلوب هستند که در گستره زندگی مشترک گاهاً به وقوع می‌پیوندد و در نهایت این تنش‌ها و مشاجرات به احساس هیجانات منفی مانند خشم و عصبانیت و کاشتن بذر خصومت و کینه توزی در آنها می‌گردد. ماحصل این تنشها پرخاشگری کلامی، فیزیکی، سردی و خشکی روابط و طلاق عاطفی است که با روح و فلسفه زندگی مشترک منافات دارد.



در مصاحبه با زوجین مراجعه کننده به مراکز مشاوره خانواده و بررسی مشکلات و تعارضات خانوادگی در مسائل مهمی همچون خیانت زناشویی، بدرفتاری جسمی و عاطفی، ترک منزل توسط همسر توسط یکی از زوجین و ... آنها به وفور به این تنش‌ها و مشاجرات در گذشته اذعان می‌کنند و از آن اتفاقات به عنوان ماشه‌چکان و عوامل پیش‌رونده در مشکلات بوجود آمده یاد می‌کنند.

پس با ذکر این مقدمه عصبانی‌شدن از شریک زندگی خود کاملاً طبیعی است اما نحوه برخورد با آن مهم و یادگیری این مهم لازمه ارتباط همسران هست. اگر زوجین توانایی و مهارت آن را داشته باشند که با واکنش سالم، قطع کننده این تنش‌ها گردند در تقویت و استحکام پیوند زندگی تاثیر به سزایی دارد. گاهی اوقات بهتر است مخالفت‌ها و مشاجرات را متوقف کرده تا دیگری آمادگی جهت رفع همکارانه معضل و مشکل شوند.

«وقفه» مهارت سودمندی است که زوجین می‌توانند برای ممانعت از بحث‌ها و مشاجرات در جهت کاهش آسیب و آزار روحی و فیزیکی یکدیگر از آن بهره ببرند.

در اینجا به چگونگی اجرای این مهارت بر اساس مهارت‌های زناشویی مک کی و همکاران اشاره می‌کنم:

اول اقدام تعیین علامتی برای وقفه است: باید با موافقت همدیگر علامتی را مشخص کنید که وقتی احساس کردید وقفه لازم است از آن استفاده کنید. برخی افراد به طور ساده می‌گویند: «وقفه»، برخی دیگر می‌گویند: «ما داریم آشفته می‌شویم». این جمله‌ها را باید بدون سرزنش بیان کنید زیرا وقفه ایجاد کردن برای هر دو خوب است. یا می‌توان ساده بدون کلام برای اعلام وقفه از علامت T با دست استفاده شود.

دومین مرحله موافقت با علامت وقفه است: برای وضعیت‌هایی که در ارتباط خود با همسرتان بیشتر عصبانی می‌شوید، علامت‌هایی را با توافق همدیگر تعیین کنید. هر گونه علامتی که نشان دهد عصبانیت شما در حال تشدید یافتن است می‌تواند علامتی برای لزوم ایجاد وقفه تلقی شود. هنگامی که که صدایتان بلندتر می‌شود، بد حرف می‌زنید، حمله می‌کنید و از «جمله‌های تو» زیاد استفاده می‌کنید، طرف مقابل را متهم می‌کنید، او را هل می‌دهید یا هر گونه تهدید جسمی انجام می‌دهید، باید بلافاصله تقاضای وقفه کنید.

برای اینکه وقفه مفید واقع باشد، رعایت چند قاعده زیر برای زوجین بسیار ضروری است:

– هیچ کلمه‌ی اضافی بعد از اعلام وقفه نگویید. موقعی که یکی از شما اعلام وقفه می‌کند طرف مقابل علامت وقفه را تکرار کند یا به طور ساده بگوید: «با وقفه موافقم».

–بلافاصله محل بحث را ترک کنید. فردی که اعلام وقفه می‌کند باید بلافاصله اتاق یا اگر ممکن باشد، منزل را ترک کند. اگر نمی‌توانید محل را ترک کنید باید برای مدتی صحبت کردن را متوقف سازید.

– وقتی زمان وقفه تمام شد، برگردید. اگر برنگردید، اوضاع بدتر خواهد شد. همسرتان احساس ترک شدن و طرد می‌کند.

– هنگامی که در دوره وقفه هستید، دارو یا الکل استفاده نکنید. دارو و الکل می‌توانند احساس‌های عصبانیت را تشدید کنند و باعث شوند، نتوانید رفتار خود را کنترل کنید.

–در طول وقفه بحث‌های انجام شده را در ذهن خود مرور نکنید. اگر به کوتاهی‌ها و اشتباهات همسرتان فکر کنید، عصبانیت شما شدیدتر خواهد شد.

– وقتی برگشتید ابتدا از فرد مقابل بپرسید که آیا آماده گفتگو در مورد تعارض مورد نظر است. اگر آماده نبود برای بررسی دوباره‌ی موضوع، زمان مشخصی را تعیین کنید. نباید از وقفه برای ماست مالی کردن موضوع استفاده کنید. بهترین راه برای این که در زمینه‌ی ایجاد وقفه به خودتان اطمینان داشته باشید این است که وقتی رابطه شما عادی است و عصبانی نیستید این مهارت را تمرین کنید.

سوختن ایران در سندروم «همدلی محدود»

مجتبی لشکربلوکی – حمید زعیمی

آزمایش جالبی توسط یکی از محققان دانشگاه لنچسترِ انگلستان انجام شد. شرکت کنندگان چه کسانی بودند؟ طرفداران تیم منچستریونایتد. ابتدا از آنان خواسته شد که پرسشنامه‌ای راجع به میزان طرفداری از منچستریونایتد را تکمیل کنند. خود پرسشنامه اهمیتی نداشت بلکه این کار ترفندی بود برای یادآوری و برافروختن وفاداری آنها به تیم منچستریونایتد. سپس، به شرکت‌کنندگان گفتند که در بخش دومِ آزمایش باید در مکان دیگری فیلمی راجع به فوتبال نگاه کنند.

به آنها مسیر رفتن تا اتاق نمایش در ساختمان دیگر را نشان دادند. در طول مسیر، مردی که در حقیقت یک همکار (بازیگر) بود می‌دوید، لیز می خورد و می افتاد، مچ پایش را می گرفت و در حالی که درد می‌کشید فریاد می زد. مردی که بر زمین افتاده بود گاهی پیراهن منچستریونایتد و گاهی پیراهن رقیب سرسخت منچسریونایتد یعنی لیورپول را پوشیده بود.

نتایج تکان دهنده بود در ۹۴ درصد مواقع، اگر فرد مصدوم پیراهن منچستریونایتد را بر تن داشت، شرکت کنندگان به او کمک کردند. ولی وقتی مصدوم لباس لیورپول یا لباس معمولی را به تن داشت فکر می کنید چند درصد کمک می کردند؟ تنها حدود ۳۰ درصد آن‌ها معمولاً فردی که غیرمنچستری بود را رها کردند تا ناله کند. برخی از شرکت کنندگان اصلاً به شخصی با پیراهن لیورپول توجه نکردند.

دوباره آزمایش تکرار شد اما این بار یک تغییر کوچک داده شد. این بار پرسشنامه با مضمون عشق به فوتبال و بازی زیبا بود و نه عشق به منچستریونایتد! بعد از همین تغییر کوچک، حدود ۸۰ درصد از طرفداران منچستریونایتد به فردِ زمین افتاده با لباس منچستریونایتد کمک کردند که کمی کمتر از دور اول بود اما نتیجه جالب اینجا بود: ۷۰ درصد به افراد مصدوم با پیراهن لیورپول کمک کردند. در مقایسه با آزمایش قبل ۴۰ درصد افزایش در کمک به فردِ طرفدار لیورپول مشاهده شد. دلیلش چه بود؟

تحلیل و تجویز راهبردی

ذهن ما به صورت ناخودآگاه مرز می‌کشد. حد تعیین می کند. این سوی مرز می شود افراد درون گروه (ما) و آن سوی مرز می شود افراد بیرون گروه (آنها). تا این جای کار مساله ای نیست. مساله این است که ما نسبت به آنسوی «مرز ذهنی غیرواقعی» که کشیده ایم غیریت و دوگانگی و دوری ایجاد می کنیم و نسبت به افراد درون گروه غیرت، همدلی و همدردی بیشتری داریم تا افراد بیرون گروه. به عبارت دیگر ما دچار همدلی محدود می شویم. به عنوان یک انسان رحم و مروت و مرام داریم ولی فقط آن را معطوف و محدود می کنیم به هم کیش و هم قبیله و هم فکر و هم گروه مان.

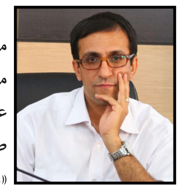
تا جایی که در خاطر داریم این دوگانه سازی ها همیشه رخ داده است. برخی به دیگران می گویند غرب زده و در عوض آن ها به گروه اول می گوید عمله روسیه! برخی خودفروخته و خودباخته اند و در عوض برخی واپس گرا و عقب افتاده. برخی مذهبی خشک اند و برخی غیرمذهبی ولنگار. این دوگانه سازی ها تبعات دارد.

چه می توان کرد؟ خاطرتان هست که در بخش دوم آزمایش چه کردند؟ یک تغییر کوچک؛ به جای تاکید بر عشق به یک تیم خاص (منچستریونایتد)، عشق به یک مفهوم وسیع تر (فوتبال) جایگزین شد. برای رهایی از سندروم همدلی محدود، باید استراتژی یافتن یا ساختن «وجه مشترک گسترده» را انتخاب کرد؛ خدا، انسانیت، محیط زیست، آینده، سرنوشت مشترک، میهن این‌ها مواردی هستند که می توانند ما را نجات دهند. برای این که اثبات کنیم که چنین چیزی امکان پذیر است، به این موقعیت توجه کنید: مسابقات جام جهانی است در یک کافه کنار دیگرانی که نمی شناسید دارید فوتبال نگاه می کنید. زمانی که تیم ملی ما در جام جهانی برنده می شود شما ممکن است یک فرد مذهبی استقلالی دو آتشه باشید اما فرد کناری تان را که یک آدم غیرمذهبی هوادار متعصب پرسپولیس باشد را به آغوش بکشید و حتی پول چایی اش را هم حساب کنید!

ایران امروز ما به شدت نیازمند رهایی از سندروم همدلی محدود است. مرزهای غیرواقعی که جامعه ما را چندپاره (بهتر است بگوییم پاره پاره) کرده است.

آخرین نکته: هر کسی باید شروع کننده باشد. منچستری ها نباید منتظر لیورپولی ها باشند و برعکس. در توسعه باید کنشگر، آغازگر و مبتکر بود و گرنه انفعال و تقلید که هنری نیست. آغاز کننده باشیم و مرزها را برداریم!

کدام مردم؟!



دکتر **سجاد بهزادی**- مردم مهم‌ترین عنصر سیاسی هر کشوری محسوب می‌شود، حتی اگر این عنصر از نگاه ماکیاولی «ذاتا گرگ صفت» باشد یا که در جایگاه «ولی نعمتان» یک جامعه باشند. اما کدام مردم؛ و چگونه است که هر سیاستمداری می تواند به آسانی از جانب مردم سخن بگوید؟
محمد فاضلی جامعه شناس بر این باور است که «واژه مردم در همه جهان به شدت در معرض استفاده غیردقیق و نادرست است. واژه مردم بسیار غیر دقیق است. مردم سازمان نیافته و بی تشکل، نماینده و سخنگویی ندارند و بسیاری از جانب آن ها سخن می گویند، بدون آن که معلوم باشد از جانب کدام مردم سخن می گویند، چگونه از نظر مردم آگاه شده اند یا چگونه می شود آن را راستی آزمایی کرد.»

اکنون که اعتراضات بخشی از جامعه به مرگ یک هم وطن، هنوز در مناطقی از کشور ادامه دارد، برخی افراد و نهادها که عموما حکومتی هستند اعتراضات روزهای گذشته را «اغتشاش» می خوانند و تاکید دارند «خواسته مردم آگاه ایران این است، به جنایتکاران امان ندهید.» روزنامه کیهان نیز همچنین پیش بینی کرد «مردم با بصیرت و انقلابی» به زودی میدان دار خواهند شد.

همچنین در حالی که گفته می شود اخلال در اینترنت سبب نگرانی بیش از ۱۰ میلیون از مردم در کسب و کار روزانه شده است قالیباف رئیس مجلس اظهار می‌دارد «فضای مجازی بی قانون زندگی مردم را به هم می‌زند.» در جایی دیگر، در حالی که تحریم ها عملا زندگی مردم را در برخی حوزه ها فلج کرده است؛ رئیس جمهوری می گوید «مردم رسماً اعلام می کنند می توان با مقاومت تحریم را بی اثر کرد.»

موارد زیادی وجود دارد که مسئولان از مردم هزینه می کنند و در واقع «مصادره به مطلوب کردن مردم» رویکرد مسئولان می شود اما عملا منافع مردم تامین نمی شود.

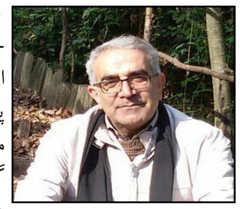
در یادداشتی که روزنامه شرق در همین ارتباط منتشر کرد آمده است «واقعیت این است هرچند در بیان "سیاسیون" عظمت و شایستگی‌های ملت ایران و در بیان "سلبریتی‌ها" وام‌داری همیشگی آنها به مردم، بارها تکرار می‌شود ولی هر دو گروه در عمل و واقعیت کمترین چسبندگی و احساس تعلق را به تأمین منافع مردم دارند و هر دو گروه "مردم" گفتن را صرفا برای کسب جایگاه، مقبولیت‌بخشی به آن و استتار نیات و اهداف خود به کار می گیرند. اگر نظام "مردم" را جامع و کامل بفهمد و صدای همه آحاد جامعه را شنیده و برای خواست‌ها و مطالبات آنها تدبیر کند، می‌تواند وجه آسیب‌دیده "مردمی‌بودن" نظام را احیا کرده و زمینه را برای یک پوست‌اندازی به نفع مردم و مصالح نظام در گام دوم انقلاب فراهم سازد.»

در این رویکرد بیم آن می رود که نظام حکمرانی نتواند صدای بخش مهمی از جامعه را بشنود و در یک «مغالطه» خطرناک، طیف وسیعی از «مردم» حذف و یا سرکوب شود و فضای دوقطبی «خودی و غیر خودی» در جامعه تقویت گردد. وقتی صدای بخش مهمی از جامعه، به بهانه آن که جزء مردم نیستند و «در صف دشمن» قرار دارند شنیده نشود، شکاف طبقاتی در جامعه بیش تر می شود و این شکاف و نابرابری سبب بازتولید خشم می شود.

اگر می خواهیم خشم در جامعه بازتولید نشود، می بایست با همه مردم مهربان باشیم و آنها را به چند دسته تقسیم نکنیم. از اولین توصیه‌های امام علی (ع) به مالک اشتر نیز مدارا با مردم بود، حتی مردمی که گناه کرده باشند: «مهربانی با مردم را پوشش دل خویش قرار ده و با همه دوست و مهربان باش. مبادا هرگز، چونان حیوان شکاری باشی که خوردن آنان را غنیمت دانی؛ زیرا مردم دو دسته‌اند، دسته ای برادر دینی تو، و دسته دیگر همانند تو در آفرینش می‌باشند ... اگر گناهی از آنان سر می‌زند، آنان را ببخشای و بر آنان سخت مگیر، آن گونه که دوست داری خدا تو را ببخشاید ... بر بخشش دیگران پشیمان مشو، و از کیفر کردن شادی مکن، و از خشمی که توانی از آن رها گردی شتاب نداشته باش».

مشروعیت؛ در سایه همراهی و مشارکت مردم

دکتر سعید معدنی



در مناظره‌ای که چند شب پیش از شبکه چهار پخش شد. دکتر محمد فاضلی گفت: «۱۴ درصد جمعیت کنونی ایران قبل از انقلاب به دنیا آمده اند» و ۸۶ درصد متولدان بعد از انقلاب هستند. قطعا اینها به جمهوری اسلامی رای نداده اند. بخشی از متولدین قبل از انقلاب هم در رفراندوم «آری یا نه به جمهوری اسلامی» به سن قانونی نرسیده بودند. لذا درصد اندکی از باشندگان جامعه ایران کنونی به جمهوری‌اسلامی رای مثبت داده اند. یکی از راه های تداوم مشروعیت و تایید یک نظام در جهان مدرن مشارکت در انتخابات است. ایران در این چهل سال به طور متوسط سالی یک انتخابات برگزار کرده و اکثریت مردم مشارکت داشتند، اما در دو انتخابات اخیر (مجلس و ریاست‌جمهوری) به خاطر نارضایتی مردم از عدم بهبود شرایط زندگی از یک سو و مهمتر از همه حذف اکثریت کاندیداهای موثر رای آور جناح اصلاح‌طلب و اعتدالی‌ها از سویی، مشارکت به زیر پنجاه درصد رسید.

یکی از استناداتی که دیپلمات‌های ایرانی در مواجهه با خارجی‌ها در دفاع از مشروعیت نظام به کار می‌بردند مشارکت اکثریت مردم ایران در انواع انتخابات بود. اما دو انتخابات اخیر این برگ برنده را از آنها گرفت.



مثلا دکتر ظریف معمولا در صحبت‌هایش - به این که نظام را مردم می خواهند و محبوب و مشروع است - استناد می کرد که مثلا در فلان انتخابات بیش از ۷۰ درصد مردم مشارکت داشته‌اند، لذا تاحدودی تیغ منتقدان و مخالفان حکومت ایران در خارج از کشور کند می‌شد. اما در دو انتخابات اخیر یعنی انتخابات مجلس و ریاست‌جمهوری برنامه‌ریزی‌ها و رد صلاحیت‌های گسترده، به گونه‌ای پیش رفت که تا کاندیداهای خاصی انتخاب شوند. حتی بعضی‌ها علنا گفتند هر چقدر مشارکت کمتر باشد شانس پیروزی اصلاح‌طلب - اعتدالی هم کمتر خواهد بود و ما اصولگرایان پیروز میدان خواهیم شد. معمولا جناح راست و اصولگرا در کنار حضور گسترده در نهادها و سازمان‌های انتصابی، در اکثر اوقات در انتخابات شکست می‌خوردند، ولی در دو انتخابات اخیر جوری سناریو پیش رفت "تا مشارکت کمتر شود و کاندیداهای مد نظرشان شانس بیشتری داشته باشند"، نتیجه آن که: مشارکت مردم در انتخابات ریاست جمهوری اخیر که آقای رئیسی انتخاب شد، ۴۸ درصد و رای‌های باطله ۱۳درصد بود که پایین‌ترین میزان مشارکت و بالاترین میزان رای‌های باطله در تاریخ انتخابات ریاست‌جمهوری بوده‌است.

همچنین به خاطر همین رد صلاحیت‌های گسترده و سختگیری‌های شورای نگهبان انتخابات آخرین مجلس شورای اسلامی هم حال و روز خوشی نداشت. حدود ۴۲ درصد در انتخابات مجلس یازدهم شرکت کردند که کمترین مشارکت در تاریخ انتخابات مجلس پس از انقلاب بود. در تهران این عدم مشارکت چشمگیرتر بود. طوری که ۲۲ درصد واجدین شرایط مشارکت داشتند و قالیباف با ۱۴ درصد رای بر مسند ریاست مجلس تکیه زد! به هرروی جناحی که در جهت برکشیدن افراد خود بودند به هدف خود رسیدند و حکومت را یکدست کردند و سور دادند و شادی کردند که هم نهادهای انتصابی و هم نهادهای انتخابی را تسخیر کرده‌ایم اما... غافل بودند از این که مشارکت کمتر مردم ممکن است بحران مشروعیت را به همراه داشته باشد. به عبارتی مشروعیت نظام هم در داخل و هم در خارج با سوال روبرو شود. اگر در دوره روحانی به منتقدان خارجی می گفتند بیش از ۷۰ درصد مردم در انتخابات شرکت کرده‌اند که این مشارکت در اروپا هم بی‌نظیر است، یا به معترضان داخلی نهیب می‌زدند که خودتان به شیخ بنفش! رای داده‌اید حالا هم پیامدهایش را تحمل کنید. اما در دو انتخاب اخیر دیگر چنین توجیه‌هاتی وجود ندارد. آن روزها اصولگرایان به هشدارهای اصلاح‌طلبانی که دل با نظام داشتند توجه نکردند. الان با توجه به اعتراضات گسترده اخیر دیگر نمی‌توان به شیوه سابق با مردم سخن گفت و لذا حاکمان در جستجوی مشروعیت از دست رفته هستند. شاید حضور کارشناسان منتقد بعضا مطرود در سیما در همین راستا باشد. منبع مشروعیت، در جهان ماقبل مدرن، خدا بود و شمشیر. لذا هر حاکمی که زور داشت دیگران را قلع و قمع می‌کرد و بر تخت می‌نشست و خود را سایه خدا و مورد تایید الهی می‌دانست، آنگاه هر جور دوست داشت با رعیت رفتار می کرد. چرا که پادشاه، خلیفه و یا سلطان مطلق‌العنان بود. به تعبیر سعدی: «تو هر آن ستم که خواهی بکنی که پادشاهی» اما در جهان مدرن مشروعیت فقط در سایه همراهی و مشارکت مردم بدست می‌آید. بر این سیاق جمهوری اسلامی برای ماندن باید تمهیداتی بیاندیشد، به خواسته‌های مردم معترض حاضر در کف خیابان توجه کند و تلاش کند تا با اصلاحات اساسی، رضایت اکثریت مردم را جلب کرده تا مشروعیت خود را بازسازی و ترمیم کند. وگرنه بروز بحران‌ها دائمی خواهد بود و فقط هر بار بهانه‌ای جدید می‌خواهد.

اقتصاد چگونه معترض می‌آفریند؟

محمد صاحبی



جامعه ایران در التهابی بی‌سابقه می‌سوزد. آتش این التهاب را سیاستمدارانی برافروخته‌اند که سال‌هاست راه را بر هر اصلاح و تغییری بسته‌اند. موضوع فقط اصلاحات سیاسی نیست یا اصلاحات اجتماعی که نسبت به آن حساسیت وجود دارد؛ موضوع اندک اصلاحات اقتصادی برای کاهش فشارهای اقتصادی است که سیاستمداران حتی همین را هم نمی‌پذیرند. نتیجه این است که ابرچالش‌های اقتصادی به وجود می‌آیند و مردم می‌بینند در هر حالتی از وضعیت سیاسی که قرار داشته باشیم، مستمراً شرایطشان در حال بدتر شدن است. نتیجه این‌که جامعه ایران در سال‌های گذشته همه نوع فشارها را تحمل کرده و تبدیل به جامعه‌ای خسته و ناامید از اصلاح و تغییر شده است. آن چه درباره اعتراض‌های خیابانی در ایران نگران‌کننده است، کاهش فاصله زمانی اعتراض‌هاست. پیش از این فاصله زمانی اعتراض‌های سیاسی که منجر به تجمع در خیابان‌ها می‌شد ۱۰ سال بود اما در حال حاضر فاصله بین اعتراض‌ها کاهش یافته است.

مسئله قابل توجه دیگر این است که پیش از این خاستگاه اصلی اعتراض‌ها طبقه متوسط جامعه بود که مطالبه آزادی داشت اما در سال‌های گذشته، معیشت و مشکلات اقتصادی نیز باعث اعتراض شدید جامعه بوده است. . شواهد نشان می‌دهد در سال‌های گذشته خیلی از افرادی که از نظر درآمدی در میانه و دهک‌های بالای جمعیت ایران قرار داشتند، اکنون برای تامین معاش خود در مضیقه هستند. البته اقتصاددانان این وضعیت را پیش‌بینی کرده بودند و تحلیل‌های آنها نشان می‌داد بی‌اعتنایی به ابرچالش‌های اجتماعی و اقتصادی، مشکلات سیاسی و امنیتی ایجاد می کند اما سیاستمداران به این هشدارها توجهی نکردند و نتیجه این شد که فاصله زمانی اعتراض‌های خیابانی در ایران به دو سال رسیده است.

اگر از ناآرامی‌های اجتماعی چهار دهه گذشته مخرج مشترک بگیریم، وضعیت بد اقتصاد همواره یکی از دلایل اصلی اعتراض‌ها بوده است. این وضعیت برای مردم در دو مقوله تورم و رکود اقتصاد خلاصه می‌شود که اولی سفره‌شان را کوچک می کند و دومی درآمدشان را کاهش می‌دهد و جیبشان را خالی می کند. شواهد نشان می‌دهد در اعتراض‌های سال‌های گذشته یکی از این دو متغیر یا هر دو در وضعیت بدی بوده‌اند. جز ناآرامی در سال‌های ۷۸ و ۸۸ که پیشران‌های اصلی آن سیاسی بوده، در بقیه ناآرامی‌ها، وضعیت بد اقتصاد کشور به خاطر فشارهایی که به مردم وارد آورده، جزو دلایل اصلی اعتراض‌ها بوده است. به هر حال چیزی که سیاستمداران همواره از آن هراس دارند اتفاق افتاده است؛ مردم ناراحتند و معترض شرایط دشوار اقتصادی، سیاسی و اجتماعی خود هستند. سوال این است؛ بهتر نبود این هزینه صرف اصلاحات و نوسازی ساختار می‌شد؟

تجارت فردا

هفته نامه نسیم جنوب
دیرپاترین نشریه تاریخ بوشهر
تلفن های تماس
۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
۰۷۷۳۳۳۲۸۱۵۱ – ۰۷۷۳۳۳۲۵۹۰۰
www.nasimjonoub.com

nasimjonoub.com
نسیم جنوب
هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی

صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
مدیر مسئول وسردبیر: یونس قیصی زاده
نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه بوستان ۳۰،
دفتر نسیم جنوب
تلفن: ۳۳۳۲۵۹۰۰ – ۰۷۷ فاکس: ۳۳۳۲۸۱۵۱ – ۰۷۷
تلفن همراه و واتساب: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
لیتوگرافی و چاپ: بهارستان



روزنامه جمهوری اسلامی:
اعتراضات فقط با تغییر در رفتار و مدیریت مبتنی بر عدالت، صداقت و خدمت پایان می‌یابند

گفتگوی هفته گذشته اساتید دانشگاه تهران که صاحبان نگاه‌های متفاوت توانستند در یک محفل عالمانه نقطه نظرهای خود را مطرح کنند، شروع خوبی برای رسیدن به جمع بندی واقع‌بینانه‌ایست که دولتمردان می‌توانند بر مبنای آن، تغییرات لازم را در حکمرانی به وجود بیاورند. راه پایان دادن به اعتراضات و جلوگیری از اغتشاشاتی که در اثر سوءاستفاده از اعتراضات صورت می گیرد، گسترش این نوع گفتگوها و پای بندی حکمرانان به تغییر مدیریت بر مبنای جمع بندی خیرخواهانه برآمده از چنین گفتگوهائی است. با سرکوب می‌توان اغتشاشات را مهار کرد ولی اعتراضات فقط با تغییر در رفتار و مدیریت مبتنی بر عدالت، صداقت و خدمت پایان می‌یابند.

سازمان نظام صنفی رایانه‌ای تهران: خسارت روزانه بین ۵۰ تا ۵۰۰ میلیونی اختلال اینترنت به کسب‌وکارها

۵۳ درصد مشاغل اعلام کردند در صورت تداوم احتمالی محدودیت‌ها روزانه ۵۰ میلیون تومان ضرر خواهند کرد. ۲۱ درصد نیز ضرر ۵۰ تا ۱۰۰ میلیون تومانی و حدود ۱۸ درصد خسارت بین ۱۰۰ تا ۵۰۰ میلیون تومانی را گزارش کرده‌اند.
گزارش سازمان نظام صنفی رایانه‌ای استان تهران از تاثیر محدودیت‌ها و قطع اینترنت بر کسب‌وکارها، نشان می‌دهد هیچ بخشی از صنعت رایانه از گزند این خسارات در امان نمانده است. بیش از دو هفته است که از اختلال و قطعی اینترنت در سراسر کشور می‌گذرد؛ از فیلتر اینستاگرام و واتس‌اپ گرفته تا ملی شدن اینترنت موبایل در ساعاتی خاص.

تهدید معیشت ۱۰ میلیون نفر بخاطر کندی و قطع اینترنت

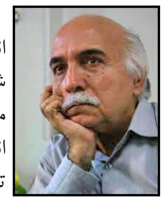
عضو هیات‌مدیره اتحادیه کشوری کسب و کارهای مجازی درخصوص زیان‌های ناشی از قطع اینترنت و کندی آن به تجارت‌نیوز گفت: طبق اعلام دبیر شورای فضای مجازی بیش از دو میلیون و ۴۰۰ هزار کسب‌وکار در حوزه فروش و تبلیغات فقط در فضای اینستاگرام فعال هستند.
مرکز آمار نیز گزارشی را منتشر کرد که نشان می‌داد بیش از ۱۰ میلیون نفر از این فضا ارتزاق می‌کنند. این‌ها اعداد کوچکی نیستند و واقعیت روشن این است که مردم روزانه ساعات زیادی را در شبکه‌های اجتماعی می‌گذرانند. طبیعی است که بخش مهمی از تجارت به این فضا منتقل شود. در نتیجه قطع سراسری اینترنت در ایران ضربات سهمگینی را به چرخه تجارت در شبکه‌های اجتماعی وارد می‌کند.

ایران رتبه دوم فیلترینگ جهان را دارد

طبق گزاش وبسایت comparietech ایران در رتبه دوم محدودیت‌های اینترنتی قرا دارد. در ایران استفاده از وی‌پی‌ان‌ها و میلیون‌ها وبسایت محدود است. رسانه‌های اجتماعی نیز تحت محدودیت‌های فزاینده‌ای قرار دارند. فیس‌بوک، یوتیوب، توئیتر و اخیرا اینستاگرام و واتساپ در ایران فیلتر هستند.
تنها وی‌پی‌ان‌های مورد تایید دولت قابلیت استفاده دارند که عملاً آنها را بلااستفاده می‌کند. بسیاری از پیام‌رسان‌ها نیز به دلیل این که مقامات برنامه‌ها و خدمات داخلی را به عنوان جایگزین معرفی می‌کنند، ممنوع شده‌اند.

نقدی بر عملکرد شورای شهر بوشهر

حسین حشمتی



باگذشت یک سال از انتخابات ششمین دوره شورای شهر و با توجه به این که منتخبان شورا نه تنها نتوانسته اند به وعده های متعدد زنگ تبلیغات انتخاباتی۱۴۰۰ عمل نمایند بلکه باگفتار و رفتار نسنجیده و ایجاد تنش در جلسات علنی، عملا فرصت ذیقیمت خدمت به مردم صبور و شریف بوشهر را ازدست داده اندکمااین که با گذشت یک سال، هنوز گزارش عملکرد ۶ماهه اول و دوم سال۱۴۰۰منتشر نکرده اند!؟ صرفنظر از این شاخصه مهم، موضوع وعده های بلا عمل هم دومین خطای اعضای شورا محسوب می شودکه نگارنده در ادامه، آنها را طی چند سر فصل مورد نقد بررسی قرارخواهد داد.
الف–تنش در روابط اعضاء اگرچه هر ۹عضوشورا از طیف اصولگرایان هستند وگمان می رفت همین یک دست بودن باعث قَوت آنان خواهد شد، ولی چه سودکه "از قضا سرکه انگبین صفرافزود" و کار به جایی رسیدکه پورکبگانی، صاحب منصب سابق مناصب سیاسی و قضایی در استان، در هماوردی با عضو تازه از راه رسیده و دارنده آخرین تعداد رای، فتیله پیچ شد و کرسی ریاست شورا را به حریف خویش سپرد و جایگاهش آن قدر تنزَل یافت که برای بیان نظریات خود در صحن، از منشی شورا استمداد کردکه آنهم با کُوس لمن مُلکی سردادن رئیس جدید شورا، بالاخره از سخنرانی منصرف شد تا به قول خودش دیگران ناراحت نشوند!؟
ب– وعده های عمل نشده وحید نیک روش در موقعی که مسئول کمیسیون عمران شورا بود به طرح ساماندهی مرکز شهر ایراد فنی وارد ساخته و گفته بود نتیجه اجرای این طرح ناقص در سال۱۳۹۲ وضعیت بسیار نامناسب فعلی مرکز شهراست که نه شهروندان رضایت دارند، نه اصناف که قراراست شهرداری پیشنهادات اصلاحی در مورد گذرگاههای پیرامونی بازار را در شورای ترافیک به تصویب برساند، پیشنهاداتی که تا زمان نگارش این یادداشت نه به دار است و نه به بار. وی همچنین همچنین از تشکیل و راه اندازی شورای اجتماعی محله های شهر خبرداده و ایجاد فانوس دریائی را برای اهالی شهر خاطره انگیز و نوستالژیک دانسته و اذعان کرده است که این پروژه در ادوار قبل طراحی و اجرائی شده بود اما به دلائلی متوقف و رهاگردیده بدون این که مشخص نماید در دوره ی ریاست او چرا این پروژه ها پیگیری و تکمیل نمی شوند؟
خدیجه گرشاسبی رئیس کمیسیون فرهنگی و عضوی که پس از شرکت در نشست با اهالی کوی سرتُل اظهار امیدواری کرده بود بتواند طی ۴۸ ماه در ۴۸ مسجد پاسخگوی پرسش های مردم باشد از اجرای وعده ی خود عاجز ماند، وعده هایی همچون ایجاد ۲۲خانه ورزش در محله ها و همچنین ساخت فرهنگسرا توسط شهرداری که به گفته او در دستورکار بوده و هنوز هم از دستورکار خارج نشده اند!
شهناز پولادی دیگر بانوی عضو شورا اما گویا روش فراخوانی و حسابکشی از شهردار آرام بوشهر را بیشتر می پسندد کما این در همان جلسه "ان قُلت و قُلت" پورکبگانی بانیک روش، شهردار بوشهر را به صحن عمارت امیریه فراخوانده بود تا جوابگوی این پرسش وی باشدکه چرا طرح پژوهشکده شهرداری اجرا نشده است؟ پرسشی که بالاخره معلوم نشد شهردار توانست پاسخ قانع کننده ای به وی بدهد یاخیر؟
ج–روغن داغ این آش هفت جوش را اما سکوت سه سَیاس قدیمی شورا یعنی مهردار آسایش، عبدالخالق برزگر زاده و حیدر رفاهیِ کامل می کند که گوئی روزه سکوت گرفته وکُنج عُزلت اختیار کرده اند! و شاید هم به این پند و حکمت کلام الله مجید تمَسُک جسته اند که"اذا خاطبهُم الجاهلون قالواسلاما" عمل کرده اند. به هرحال باید تامل کرد و دید که آیا رئیس جدید شورا مجال ایفای نقش به این همکاران خود خواهد داد یا همچنان در حاشیه خواهند ماند؟ تا اینجای کارکه "رئیس"یکه تاز میدان است، باید منتظر ماند و دیدکه فردا چه بازی کند روزگار.

پاییز دلتنگی

هلنا سعادتمند



پاییز برگریزان از راه رسید برای من؛ پاییزهای پر خاطره همیشه با خرید کیف وکفش و لباس و لوازم تحریر و هیاهوی ورود به مدرسه آغاز می شدند... یادش بخیر ... روزهایی که بی صبرانه منتظر باز شدن درِ مدرسه بودیم و سخت مشتاقِ دوباره دیدنِ هم کلَاسی های پارسال... و گفتنِ و شنیدنِ خَاطرات قشنگِ تابستانی که گذرانده بودیم... بعدها بزرگتر شَدیم و از رنگ رنگ شدن برگهائی که با رسیدن پاییز به انتهای سفردور و درازشان می رسیدند انشاء می نوشتیم.... آری... اکنون پاییز فرا رسیده... اما پاییز که فقط صدای خش خش برگ های خشکیده ی زرد و نارنجی درختان نیست! پاییز که همیشه با بوی مهر و مهربانی و بازشدن در مدرسه ها نمی آید! دیدیم که پاییز آمد اما با مدرسه هایی که لب بسته و خاموش بودند؛ و سرهایی در گریبان... همه درگیر بازی مرگ و زندگی؛ با مهمان ناخوانده ای بنام ویروس کرونا... آمدن پاییز را در هر شکلی دیده ایم، گاه آمدنش درد فراق و دوری عزیزی را به یادمان می آورد؛ و زنده شدن خاطراتی که همراه با سیل اشک از دلهایمان فوران می کنند. گاهی هم با ابرهای سنگین وسیاهی که گوشه ای از دلت تلمبار شده و با قطره های بارانی که گوشه چشمانت می نشینند و فرو می ریزند خودنمایی می کند... .
پاییز رنگارنگ همیشه لابلای برگهای خشکیده درختان به انتظار ما ننشسته... به بخاری که از فنجان قهوه ام بلند می شود خیره شده ام... به حال و هوای این روزهای مردم میهنم فکر می کنم که چه بر سرشان می رود؟! مگر این مردم همان مردم صبور و مقاومی نیستند که هشت سال فاجعه ی جنگ و از دست دادن جان و مال را تاب آوردند و ایستادند؟ و بعد در برابر سیل تحریم های خودساخته، توفان تورم، و سونامی گرانی ها ایستادند و تاب آوردند... پس چگونه اکنون عنان از کف داده اند؟ به مادری می اندیشم که با چشمان اشک آلود نگاهم می کند و از این که نمی تواند برای مدرسه دو دخترش لباس مدرسه بخرد شرمنده است... دیگری که هزینه تهیه کفش و کیف می خواهد و آن دیگری که از گرانی و نبود داروی فرزند بیمارش می گوید و بیکاری همسرش... در این وضعیت اما دغدغه برخی مسئولینِ ناآشنا با دردهای مردم؛ بیرون بودن و دیده شدن چندَ تار مو از گوشه روسری زنان ماست... دلتنگم... و نمی دانم این دردها را کجای تابلوی رنگ رنگ پائیز نقش بزنم...!

۵۵ درصد دانشجویان علوم پزشکی بوشهر بومی هستند

معاون آموزشی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر گفت: با احتساب پذیرفته شدگان امسال شمار دانشجویان این دانشگاه به ۲ هزار و ۷۴۱ نفر رسید که ۵۵ درصد آنها بومی این استان هستند. امسال ۴۸۰ دانشجوی جدید الورود در ۳۳ مقطع رشته در این استان پذیرش و سال تحصیلی خود را آغاز کردند. براساس مصوبه اخیر مجلس شورای اسلامی در باره افزایش ظرفیت پذیرش دانشجویان پزشکی امسال ۱۱۰ دانشجوی پزشکی در دانشگاه علوم پزشکی این استان پذیرش شد که این شمار ورودی پزشکی در استان بوشهر نسبت به سال گذشته نزدیک به ۲ برابر افزایش یافته است.